

بمباران هوایی تهران

* بار دیگر خطر جنگ شهرها مردم دو کشور را تهدید می کند

رژیم خمینی بلافاصله پس از حمله هوایی روز شنبه اعلام کرد بغداد و بصره را مدف حملات خود قرار خواهد داد. طبق معمول، بلندگوهای رژیم، عوامفریبانه مردم این دو شهر عراق را به ترک بغداد و بصره دعوت کرد.

بار دیگر، جنون جنگ طلبی و آدم کشی خمینی و صدام حسین قربانی می گیرد. خطر جنگ شهرها باز مردم دو کشور را تهدید می کند در شرایطی که تلاش های جدید گزارش مستقلی فرسیده است.

به دنبال سخنان تحریک آمیز و جنگ طلبانه خامنه ای، رئیس جمهور خمینی در نماز جمعه ۷ اسفند، در حوالی ظهر روز شنبه ۸ اسفند هواپیماهای عراقی تهران را بمباران کردند. به گزارش صدا، جمهوری اسلامی، هدف این بمباران "یک منطقه غیر نظامی در حومه شهر تهران" بوده است. صدای جمهوری، اسلامی، آمار تلفات را یک کشته و چند مجروح اعلام کرده است. هنوز از آمار واقعی قربانیان این جنایت جدید گزارش مستقلی فرسیده است.



دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۶۶ برابر ۲۹ فوریه ۱۹۸۸
بها، ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۷

صهیونیستها از يك جنگ واقعی سخن می گویند

* فلسطینی های مناطق اشغالی با اعتصاب و تظاهرات سر آسری و رودشولتر وزیر امور خارجه آمریکا را به اسرائیل "خوش آمد" گفتند



همه به پا خاسته اند، حتی کودکان خردسال

می دهند دست و پای اسرا را بشکنند و به روی تقاضا کنندگان آتش بکشایند.

در روز شنبه ۲۲ فوریه دو کودک قربانی جنون آدم کشی صهیونیستها شدند. در همین روز روزنامه "یروزالم پست" نوشت که سربازان ۱۰ بقیه در صفحه ۱۰

رهبران اسرائیل دیگر نه از "ناآرامی و اغتشاش" در مناطق اشغال شده، بلکه از یک جنگ واقعی سخن می گویند. در هفته گذشته روزنامه "هاآرتس" نوشت، "آنچه که در مناطق اشغالی می گذرد، یک جنگ است، جنگی که شاید سخت تر از یک جنگ معمولی باشد، شلیک گلوله جریان دارد و دشمن ویرانگر است... ما باید هر طور شده این جنگ را ببریم در غیر این صورت اسرائیل به تحولاتی ضعیف خواهد شد."

این "جنگ واقعی" در هفته گذشته اوج بیشتری یافت. از آغاز هفته، سرکوب و فشار فزونی گرفت و واحدهای بیشتری از پلیس و ارتش در اردن فریبی و نوار غزه استقرار یافت. ۱۲۰۰۰ مؤدوران ارتش به سرکوب خشن قیام خستگی ناپذیر خلائق فلسطین اشغال دارند.

یک روایتش این شاعر در ارتش اسرائیل هفته گذشته قاش ساخت که مؤدوران ارتش و پلیس دچار جنون آدم کشی شده اند. آنها سرکوب را به خشن ترین نحو ممکن پیش می برند. افسران به سربازان دستور

در حاشیه درگیری های درون حکومتی:

عقب نشینی منظم و فقه سنتی

به دنبال صدور حکم خمینی داور بر تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" که در آن جمعی از سرداران حکومت آخوند، برای تعیین تکلیف در موارد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، تعیین کنند، درگیری ها در درون حکومت با تعادل قوا و اشکال جدید ادامه یافته است. خمینی در حکم روز ۱۷ بهمن ماه خود ضمن گوشزد کردن خطری که کالیبت نظام ضد مردمی جمهوری، اسلامی را تهدید می کند، از طرفداران تقویت نقش دولت در تنظیم امور و انجام اقداماتی ضد انگیزه ای، در جهت تخفیف خطر طغیان های توده ای، در مقابل طرفداران فقه سختی و تجار بازار حمایت کرد و نقش شورای نگهبان را در وتوی لوایح مصوب مجلس آخوند، تضعیف نمود.

مادر شماره گذشته نوشتیم خمینی با توسل به "حکم حکومتی" عملاً ورشکستگی تری ولایت فقیه خود را که می گوید قوانین اسلام نظام حقوقی کاملی را تشکیل می دهد که پاسخگو، نیازهای جامعه است، اعلام کرد. هر چند سختگویان رژیم تا آنجا که بتوانند می کوشند این اعتراف را پوشیده نگه دارند، این افغان هر چه بیشتر در موضع گیری ها و اظهارات آنها عیان می شود.

موسوی خوینی ها دادستان کل جمهوری، اسلامی و عضو مجمع جدید "تشخیص مصلحت"، که از سالها پیش به عنوان مدافع پروپاقرص سیاست افزایش اختیارات دولت و قدرت آن در مقابل بازار شناخته بقیه در صفحه ۲

در این شماره

نقش صندوق های قرض الحسنه در اقتصاد کشور

گسترش اعتصاب غذا در زندانهای سیاسی ترکیه
در صفحه آخر

اجتماع اعتراضی صدها نفر از پناهندگان ایرانی در پاکستان

در صفحه ۷

صهیونیسم، گروه ضربت امپریالیسم

در صفحه آخر

چهل سال از پیروزی سوسیالیسم

در چکسلواکی گذشت

در صفحه ۱۱

یادک می کشند، ضمن حفظ و گسترش پایه های قدرت اقتصادی خود، چندان ضرر به پذیر بغض نمی رسند.

کارکرد صندوق های قرض الحسنه

اگر از فعالیت محدود و خرد چند واحد صندوق قرض الحسنه همان حکومت شاه صرف نظر کنیم، میتوان ابراز داشت که صندوق های قرض الحسنه مولود ساخت اقتصادی جمهوری اسلامی بوده و نه تنها در همین چند سال به لحاظ دامنه فعالیت رشد کرده اند، بلکه به تریقی سرلانی گسترش یافته اند. تاسیس دم افزون صندوق های قرض الحسنه و همچنین صندوق های قرض شده و فیررسی باعث آن شده است که هیچ آمار دقیقی از تعداد واحدهای صندوقها، مزبور درست نباشد، ولی فکاهی به مطبوعات دولتی حاکی از آن است که شمار صندوقها و واحدهای متعدد در صندوق به هزاران بالغ می شود. تنها در تهران صدها صندوق بقیه در صفحه ۶

تاسیس و گسترش صندوق های قرض الحسنه، با افشاست های کلان سرمایه و تاثیرات غیر قابل کنترل در کنش و واکنش و تحولات اقتصادی، به یکی از معضلات جدی رژیم خمینی بدل شده است. پیش از آنکه به کارکرد و تاثیر این صندوق های قرض الحسنه در عرصه اقتصاد کشور نظر، بیافکنیم، تاکید بر یک نکته حائز اهمیت فراوان است و آن اینکه صندوق های قرض الحسنه خود محصول بحران اقتصادی، کشور می باشند و در عین حال برداشته این بحران می افزایند. مواضع مختلف شهادت قدرت در جمهوری اسلامی نیز بخودی خود باعث آن شده است که اعمال کنترل بر عملکرد صندوق های قرض الحسنه ناممکن و دشوار گردد.

صندوق های قرض الحسنه که در زبان اقتصاد شبه بانک و یا موسسات اعتباری، نامیده می شوند، معلومات عجیب المنظر، "اقتصاد اسلامی" بوده و چون مشارکت برخی اؤسولان طراز اول حکومتی را نیز

در حاشیه درگیری‌های درون حکومتی:

عقب نشینی منظم و فقه سنتی

بقیه از صفحه اول

شده است ضمن مصاحبه‌ای با خبرنگار کوزاری، جمهوری اسلامی، "برای نودون اتهامات" توضیحاتی درباره وظایف مجمع جدید داد که بار دیگر تأییدی است بر اعلام ورشکستگی فقه و به تبع آن، فقه. خویشی‌ها روند تئیه و تصویب لوایح در دولت و مجلس آخوندی را ترویج کرد و گفت: "روی تئیه لایحه... به اندازه کافی در سطح کشور کار کارشناسی انجام می‌گیرد... وظیفه شورای نگهبان طبق قانون اساسی این نیست که بگوید آیا این قاضی به صلاح مملکت هست یا نه. وظایف او فیست و اظهار نظر اوست به عنوان شورای فکهای از این جهت اعتبار و ارزشی ندارد. فقط وظیفه‌ای که شورای فکهای دارد این است که بگوید این مصوبه مجلس یا این مواد و تبصره‌ها مطابق موازین شرعی و قانون اساسی هست یا نه. فقط این را باید بگوید... بر فرض هم بگویند به صلاح جامعه نیست این گفتگوشان اعتباری ندارد."

لحن تند و تحکم آمیز دادستان کل، نمایانگر میزان تضعیف مواضع فقه‌های شورای "محترم" فکهای است. خویشی‌ها در ادامه سخنان خود افزودند در مورد برخی لوایح، اعضای شورای فکهای ایرادهایی می‌گیرند که در صورت برطرف کردن آنها "این لایحه با آن شکل از اصلاحات دیگر تأمین کننده آن مصلحت فیست... اینجاست که بین مجلس و شورای فکهای این دسته از قوایین حالتی بلاتکلیف پیدا می‌کند... اگر مقام رهبری جامعه هم برای حل این مشکل اقدامی نکند معنایش این می‌شود که مجموعه نظام حاکم و مجموعه حاکمیت در حل معضلات و مشکلات جامعه بی‌تفاوت مانده یا ناتوان شده است." عضو مجمع تشخیص مصلحت، در اینجا مهمترین انگیزه خمینی در تصمیمات اخیرش را بیان می‌کند، هراس از برملا شدن قاتلانی مجموعه نظام حاکم، نظامی که نمی‌تواند حتی یک قانون مهم را تصویب و اجرا کند. نود مردم سخنی هست که می‌گویند آخوندها اگر بخواهند، برای هر چیز کلاه شرعی‌اش را پیدا می‌کنند. حال خمینی برای خود شرع هم کلاه شرعی پیدا کرده است، "مقام

نویسنده "ولایت فقیه"، کسی که می‌گفت هیچ کس به جز "شارع مقدس" حق قانونگذاری ندارد هم فهمیده است.

اما فقه سنتی تنها یک دکم ایدئولوژیک فیست، یک سلاح ایدئولوژیک هم هست. در ایران، مدافعان مشی اقتصادی پرور واپس، "لسفر" (یعنی "به حال خود رهاش کن") سالهاست در سخر فقه سنتی موضع گرفته‌اند که می‌گویند تجارت حلال است و کاسب حبیب خداست، مالکیت از ناموس هم مهمتر است و بندگان خدا حق ندارند در کار او که یکی را فقیر و یکی را ثنی کرده، دخالت کنند. می‌توان برای برآورده کردن مصلحت نظام، برای فقه به مثابه یک دکم، کلاه شرعی بافت، اما "تجار محترم" چیزی دارند که برایشان مقدس تر از هر شرع و شارع است و سود آنهاشان داده‌اند که در کشکش بر سر اقدامات و قوانین اقتصادی، ذره به ذره و میلی متر به میلی متر می‌چنگند و حتی بانگ "مصلحت نظام" هم قادر نیست مستی سودها، باد آورده را از سرشان بیرون کند. اینان چشم امیدشان به دستگاه سنتی روحانیت است. آخوندهای مدافع این جناح از سرمایه‌داری ایران، پس از تولات اخیر، به فکر افتاده‌اند که بایک عقب نشینی منظم، در جایی بایستند که بتوان ایستاد. آذری، قمی، صاحب امتیاز و روزنامه رسالت، به فقه‌های شورای نگهبان پشت گرمی می‌دهد و می‌نویسد، "وجود شما در این مجمع وظیفه شما را در حفظ احکام اولیه و بیان روشن و صریح فقه نظرهای خود سنگین تر می‌کند و واضح است موقعی احتیاط مورد نظر امام مدخله تعلق می‌یابد که شما بر مواضع فقهی و نقلیه نظرهای خود و ابزار و وسائل قانونی که نظام را از

حکم حکومتی مستغنی (یعنی بی‌نیاز) سازد تاکید داشته باشید." و به بقیه آخوندها، عضو مجمع جدید هشدار می‌دهد، "مسئولیت محوله شما آقایان محترم بسیار خنجر و سنگین است. رقه یداز احکام اولیه اسلام... اگر در مورد آنها حتی از یک هزارم دقت کافی و لازم دریغ شود برای شما خطر و ضرر بسیار مهمی در دنیا و آخرت به بار خواهد آورد... اگر با شروط الزامی با اجرای صحیح و برخورد خوب مسئولین اجرایی و قضایی یا سکوت (۱) و یا راههای دیگر مشکل حل شود توسل به حکم حکومتی جایز نیست."

روزنامه رسالت در شماره ۲۸ بهمن خود متن یک سخنرانی از آذری، قمی را به چاپ رسانده است که نشان می‌دهد "فقه سنتی" عقب نشینی را تا کجا می‌تواند تحمل کند، "احکام ثانویه همیشه مقطعی و موضعی است یعنی نمی‌تواند از امروز... تا روز قیامت وجود داشته باشد... همچنین برای احکام ثانویه، تشخیص ضرورت لازم است و اگر ضرورت تشخیص داده نشد با اولی فقیه در ضرورت موضوع شک داشت و بقیقین پیدا نکرد این نمی‌تواند حکم اولی را تغییر دهد."

اما بن بست قانونگذاری رژیم فقه را راه حل‌های "مقطعی و موضعی" نمی‌شکند. از این رو است که هم اکنون بحثهای میان آخوندها بر این تمرکز یافته است که آیا فقط حکومت کردن او احکام اولیه است یا "حکم حکومتی" هم "اولیه" محسوب می‌شود، یعنی فراتر از اقدامی مقطعی و موضعی است. موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و عضو مجمع جدید می‌گوید دامنه "حکم حکومتی"، الزاماً نباید "یک یا دو روز باشد، یکماه باشد یا یکسال باشد" (نماز جمعه ۲۲ بهمن تهران).



میرحسین موسوی، اردبیلی، رفسنجانی و خاندانه‌ها، به گفته خویشی‌ها در انتخاب این عده به عنوان اعضا، مجمع جدید، ست آنها نقش داشته است.

بمباران هوایی تهران

باردیگر خطر جنگ شهرها مردم دو کشور را تهدید می کند

بقیه از صفحه اول

بیس المالسی برای صلح، خامنه ای جنایتکار در روز جمعه ۷ اسفند با نعرده کشید که "هدف خود را در جبهه و از طریق جنگ تامین نخواهم کرد." آخوندها در شبایت درماتدگی و افشوی بین المللی نیوی می کوشند تا آنجا که ممکن است عقربت جنگ را به جان مردم ایران و عراق افتادوند. آنها می خواهند چشم خود را از شکست های بی دربی فکامی و سیاسی، با ریختن خونهای باؤم بیشتر آرام بخشند. بر بستر جنگ غلبی جفون آمیز خمینی، رژیم سفاک عراق نیز به حربه معمول خود متوسل شده و باران ویرانی و آتش را بر سر مردم تهران فرو ریخته است. این جفون جنایت تانکی ادامه خواهد داشت؟

در هفته گذشته جمهوری اسلامی خیر او یک درگیری هوایی میان هواپیماهای خود و هواپیماهای عراق بر فراز آبهای خلیج فارس داد و مدعی شد یک هواپیما، عراقی سقوط کرده است. عراق خبر سقوط این هواپیما را تکذیب کرد و اعلام داشت پل استراتژیک قطور در مرز ایران و ترکیه را مورد بمباران هوایی قرار داده است. همچنین جمهوری اسلامی در هفته گذشته غیر او آغاز عملیات جدیدی در کردستان با نام "مقرع ۶" داد.

بمباران شهرهای ایران و عراق، اوچ گیری مجدد جنایات خمینی و صدام حسین، باید واکنش جامعه بین المللی را برانگیزد. باید به دستهای این حکام خوفشوار دستبند و شکلاشت شهرهای دو کشور بیش از این ویران شوند و مردم بیگناه در زیر آوار خانه های خود جان بسیرند. باید

درحالی که رالتی ها می کوشند برد تصمیمات مجمه جدید را حتی المقدور کوتاه مدت قلمداد کنند، و درحالی که آذر، قبی می نویسد از توشل به "حکم حکومتی" باید تا آنجا که ممکن است احتراز جست، برخی از وابستگان به جفاج مقابل از هم اکنون به فکریورش بعدی، افتاده اند. مثلا یک عضو مجلس آخوندی در جلسه ۲۷ بهمن پیشنهاد کرد، "قانون اساسی به گونه ای اصلاح شود که از یک طرف دست رهبر بیش از پیش در امور نظام باز باشد و از جهتی

ابراز قانونی رژیم در ادامه مانورهای دیپلماتیک

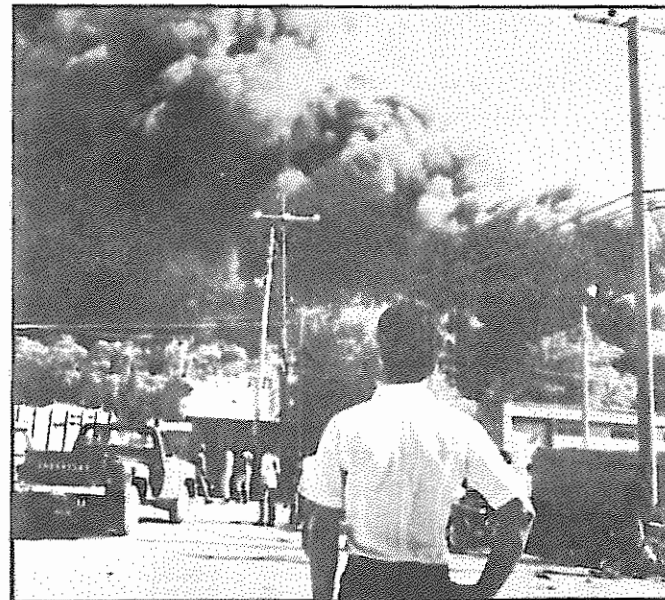
همچنین با غارت عزیز وزیر امور خارجه عراق و طه یاسین رمضان پیرامون جنگ به گفتگو نشست. بریتانیا اخیرا پیش طرح تحریم تسلیحاتی رانیه کرده و آن را برای مطالعه در اختیار اعضای شورای امنیت قرار داده است. به موجب این طرح فروش اسلحه به جمهوری اسلامی به مدت دو سال ممنوع خواهد بود. گزارش منابع غربی حاکی است که ورفون و التروژنابنده آمریکا در سازمان ملل قبیل مشغول تهیه طرحی دیگر برای ارایه به شورای امنیت است.

یک هفته پیش از دیدار دبیر کل سازمان ملل با نمایندگان ایران و عراق، پتروفسکی معاون وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در تهران با مقامات جمهوری اسلامی ملاقات کرد و برای جفمین بار مواضع اتحاد شوروی مبتنی بر پایان بلا درنگ جنگ و آغاز مذاکرات بر پایه قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را مورد تاکید قرار داد. پتروفسکی در دیدار با ولایتی و سایر رهبران رژیم اسلامی، تلاشهای آمریکا برای ادامه حضور در خلیج فارس و ایجاد پایگاههای نظامی به منظور استقرار دائم در این منطقه را یادآور شد.

طی هفته گذشته اوسوی مقامات رژیم جمهوری اسلامی موضه گیری هایی در زمینه تحریم تسلیحاتی و قطعنامه ۵۹۸ اتخاذ شد. معاون سیاسی وزارت امور خارجه طی مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که جمهوری اسلامی خواستار تجدید نظر در قطعنامه ۵۹۸ شده است. وی گفت "به علت نکات غیر معقولی که بر اثر فشار ابرقدرتها در قطعنامه ۵۹۸ وجود دارد خواستار تجدید نظر در آن شده ایم اما در عین حال این قطعنامه بهتر از قطعنامه ۴۷۱ شورای امنیت در زمینه پایان جنگ عراق علیه ایران است." معاون سیاسی وزارت امور خارجه در مورد تحریم تسلیحاتی ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی، صدور قطعنامه تحریم تسلیحاتی را پایان طرح دبیر کل سازمان ملل تلقی می کند.

خامنه ای نیز در خطبه های قضا جمع با ابراز یاس از تلاشهای دیپلماتیک، فعالیت محافل بین المللی را برای پایان دادن به جنگ بی نتیجه خواند و اعلام نمود که جمهوری اسلامی "نتیجه خود را در جبهه جنگ و از طریق جنگ تامین خواهد کرد."

از هفته گذشته دبیر کل سازمان ملل در تلاش تازه برای پایان دادن به جنگ ۸ ساله ایران و عراق، سله مذاکراتی را در مقر سازمان ملل با نمایندگان ایران و عراق آغاز کرده است. به گزارش مطبوعات روز چهارشنبه گذشته خاویر پرز دو کوئیار در محل سازمان ملل با محمد جعفر محلاتی نماینده جمهوری اسلامی در این سازمان ملاقات کرد. دیدار دبیر کل سازمان ملل با عصمت کتانی نماینده عراق یک روز بعد از ملاقات وی، با محلاتی صورت گرفت. به گفته سخندوی دبیر کل سازمان ملل، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و مواضع طرفین در قبال آن محور این مذاکرات بود. قرار است پرز دو کوئیار نتایج حاصل از مذاکرات خود را در اختیار اعضای شورای امنیت قرار دهد. همچنین دبیر کل سازمان ملل قصد دارد



آیا باز شاهد ایجاد چنین جنایتکاری هایی از رژیم های خمینی و صدام حسین در مناطق مسکونی شهرها خواهیم بود؟

طی روزهای آتی با تمام اعضای غیر دائمی شورای امنیت به منظور آشنایی بانظر آلمان و اروپایی اوضاع کفونی به مشورت برداؤد.

همزمان با تلاشهای دیپلماتیک دبیر کل سازمان ملل، برخی از اعضای شورای امنیت از طریق فرستادگان خود به بغداد و تهران با مقامات دو کشور به گفتگو پرداختند. دستیار وزیر امور خارجه بریتانیا روز چهارشنبه در بغداد با صدام حسین ملاقات کرد. به گزارش خبرگزاری عراق در این دیدار "دیوید ملر" پیام کتبی تاجر را به صدام حسین تسلیم کرد. "ملر"

اصول و پایه های جمهوری اسلامی به صورتی تنظیم شود که با تغییر شرایط بیش از پیش قابل انعطاف بوده و با بروز مشکل جدیدی نیاز به اصلاح یا فروریزی، پاره ای از مواد آن شباهت تا بدین وسیله امت اسلامی به بهانه اینکه امور باید لایق قانون بچرخد از دستورات و راهنمایی های لازم و به موقع رهبری محروم نماند.

شرایط جدید، صحنه آرایبی جدیدی، رانیز در جنگ قدرت در رژیم بدنبال آورده است. اما خود جنگ قدرت، ادامه دارد. بحران، گریبان حکومت فقها را رها نمی کند.

معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی و

گروگانهای فرانسوی در صورت روابط رضایت بخش، آزاد خواهند شد.

علیرضا معیری، معاون سیاسی نخست وزیر هفتگی گذشته طی مصاحبه مطبوعاتی با شبکه دوم تلویزیون فرانسه، مواضع موجود بر سر راه عادی سازی روابط میان تهران و پاریس را تشریح کرد. وی در این گفتگو در زمینه تلاش جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای فرانسوی گفت: "در قیاب روابط دیپلماتیک میان پاریس و تهران هیچ اقدامی از سوی ایران برای آزادی گروگانهای فرانسوی در لبنان صورت نخواهد گرفت."

معیری در اظهارات خود صریحا اعلام داشت که جمهوری اسلامی به گروگانها به صورت وجه معامله می نگرد و برای آزادی آنها تنها در شرایطی اقدام می کند که پاریس با خواسته های تهران موافق باشد. در این مورد معاون نخست وزیر به موقعیت جمهوری اسلامی در میان گروه های افراطی لبنان اشاره کرد و گفت: "ایران از نفوذ بسیار مهمی در لبنان برخوردار است و این نفوذ می تواند برای آزادی گروگانهای غربی از جمله فرانسوی ها مورد استفاده قرار گیرد اما این امر فقط در زمانی صورت می گیرد که ما از ارتباط رضایت بخش با فرانسه برخوردار باشیم."

معاون نخست وزیر در مورد مسئله جنگ ایران و عراق و موضع فرانسه در قبال آن که یکی از موارد اختلاف طرفین می باشد، اعلام داشت که "وی هیچ تحول مثبتی را در ارتباط با بیطرفی احتمالی فرانسه در این مناقشه مشاهده نکرده است."

مذاکرات مقامات تهران و پاریس بر سر اختلافات مالی و بدهی ۱/۵ میلیارد دلار، فرانسه به ایران، یکی دیگر از مسائلی بود که در گفتگو معیری با تلویزیون فرانسه مطرح گردید که توضیح داد: "این مذاکرات فعلا متوقف است."

در پایان مصاحبه معیری اظهار داشت: "ما احساس می کنیم که مقامات فرانسه می خواهند روابط

را عادی نمایند اما در حال حاضر مادر و سه قطعه روابط بر می بریم."

ژدوبندهای سیاسی تهران و پاریس و مسئله گروگانهای فرانسوی که هم اکنون در لبنان در اختیار گروه های تروریست طرفدار جمهوری اسلامی هستند، افکار عمومی، بویژه مطبوعات فرانسه را بیش از پیش به روابط دو کشور جذب کرده است.

هفته گذشته روزنامه لوموند به مناقبت عزارمین روز اسارت "زان بل کوفمن" روزنامه نگار فرانسوی که همراه دو دیپلمات دیگر فرانسوی همچنان در لبنان در گروگان می باشد، مقاله ای از رئیس اتحادیه ملی سدیکا، روزنامه نگاران فرانسه را که به روابط دولت فرانسه با "دستوردهندگان به ربایندگان" اختصاص داشت، چاپ کرد.

"ابولواژو" رئیس اتحادیه روزنامه نگاران در مقاله خود ضمن اشاره به اعمال تکنجه گروگانها، روش ربایندگان و دستوردهندگان آنان را به رفتار رژیم میترای تشبیه کرده است. نویسنده با تاکید بر اینکه چیزی دستوردهندگان ربایندگان برای دولت فرانسه آشفتگی، خواستار اثنای آنان شده است.

در بخش دیگری از مقاله، اسارت هزار روزه گروگانها ناشی از اعمال کنار، تردید، اشتباهات تحلیلی، مافورهای مشکوک و دیسه چینی دولت فرانسه با طرف های درگیر در ماجرای گروگانگیر، قلمداد شده است.

رئیس اتحادیه ملی سدیکا، روزنامه نگاران در پایان منال خود، روش و سکوت مطبوعات فرانسه را مورد انتقاد قرار داده و نوشته است که روزنامه نگاران هم چون ماجرای "ایران گیت" به وتلیفشان عمل نکرده و دروغگویی ها و شبهه بازها، سیاسی دولت را در زمینه مسئله گروگانها افشا نکرده اند.

انفجار بمب در تهران

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی بر اثر انفجار بمبی که ساعت ۹/۲۰ صبح روز سه شنبه ۲۷ بهمن در خیابان فیواران تهران رخ داده تن مجروح شدند و خسارات شدیدی به مغازه های اطراف وارد شد.

گزارشهای برخی مطبوعات حاکی است که علاوه بر انفجار فوق، یک انفجار دیگر در تهران در میدان ونک صورت گرفته است. در این گزارشها تعداد کشته و زخمی شدگان هر دو حادثه بیش از ۴ تن ذکر شده اند. در اخبار دولتی در این باره گزارشی ارایه نشده است. خبر دیگری حاکی است که در بمب بفرین اورمیبه نیز یک بمب قبل از انفجار خفنی شده است. روز دوشنبه هفته گذشته خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از اطلاعات کمیته انقلاب اسلامی اعلام کرد که عوامل بمب گزار دستگیر شده اند. جمهوری اسلامی این عده را عوامل عراق خواند.

مسئله بمب گذاریهای اخیر روز سه شنبه در جلسه هیات دولت مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به گزارش رادیو دولتی تهران در این جلسه ضمن نمایش فیلمی از جابان درگم، پاسداران با عناصر بمب گزار، محتشمی گزارش مشروحی از دستگیری آنان در تهران و شهرستانها به هیات دولت ارائه کرد. در پی نمایش فیلم، موسوی ملی سخفانی از فعالیت کمیته های انقلاب به عنوان اقدامی متبورهانه تقدیر کرد. یک روز پیش از طرح این مسئله در هیات دولت، ری شهری، در دفتر ریاست جمهوری با خامنه ای دیدار کرد.

آغاز به کار مجدد

سازمان سنجش آموزش کشور

ابوالحسن احمدیانی معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی یک مصاحبه مطبوعاتی از سرگیری مجدد فعالیت "سازمان سنجش آموزش کشور" را اعلام کرد. سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۵۴ به منظور ارزشیابی آموزش کشور، انجام پژوهش علمی در زمینه برنامه های، درسی آموزش عالی، همچنین جهت کمک به ارزشیابی نیروی انسانی داوطلب ورود به خدمات کشوری در زمینه علمی و تخصصی تشکیل شد و تا سال ۶۰ با همین عنوان به فعالیت خود ادامه داد. در سال ۶۰ در پی جریان انقلاب فرهنگی "رژیم، این سازمان نیز همراه سایر نهادها، آموزشی دستخوش تغییرات در جهت اسلامی سازی و انهدام گشت.

هم اینک سازمان سنجش آموزش کشور فعالیت خود را در شرایطی اوسر می گیرد که بنا به اظهار احمدیانی، کمترین امکانات اوسوی دولت برای آن اختصاص داده نشده است.

مسئول سازمان سنجش آموزش کشور توضیح داد که در ساختمان این سازمان حتی امکان بایگاتی مدارک و پرونده ۷۰۰ هزار داوطلب کنکور سال جاری وجود ندارد و چاپخانه آن که حدود ۴۵ روز برای تکثیر ۲/۵ میلیون دفترچه سئوالات امتحانی باید قرضیقه شود حتی یک نورگیر ندارد. امکانات سازمان صفر است و سازمان سنجش برای اینکه بتواند با سلامت اجرا، کنکور را بر عهده بگیرد توان و تضمین کافی ندارد."



ژاک شیراک، وچیدگرچی تروریست و علیرضا معیری، معاون نخست وزیر رژیم خمینی

در دانشگاه تبریز

— در دانشگاه تبریز مرتبا شعاری نویسی می شود. پیش تراکت واعلامیه نیز اوجمله تیروهایی است که در مبارزه علیه رژیم بکار گرفته می شود. رنگ پائیدن به تصاویر خمینی نیز شکل دیگری از اعتراضات دانشجویان مرفقی را نشان می دهد. در آغاز ترم تحصیلی گذشته، دانشجویان رشته داروسازی، دانشگاه تبریز به یک لایحه ای که در مورد داروسازان در مجلس طرح شده بود اعتراض کردند. ۲۰۰ دانشجوی ۲۷ استاد تهدید به انصراف از تحصیل واستعفا کردند. این حرکت اعتراضی بعلت عدم سازماندهی در اواسط کار متوقف شد.

— همچنین بعلت اعتراض شدید دانشجویان به تویتهای فدای فاسد در سلف سرویس دانشگاه در ترم گذشته که بصورت پرتاب ظروف غذا به طرف شیشه های سلف سرویس نمود یافت و خبر آن همان زمان در نشریه درج شد، مقامات دانشگاهی تعداد واحدهای درسی آنها را به ۱۴ واحد درسی (حدافل واحد) کاهش دادند و بدین ترتیب از دانشجویان انتقام گرفتند.

— قریب دو ماه پیش حوالی نیمه شب به بهانه وجود مواد مخدر عده ای از افراد مسلح متقادر با همدستی دانشجویان عضو انجمن اسلامی به خوابگاه دختران دانشگاه حمله کرده هجده تن از آنها را زورباوری قرار دادند. آنها سه نفر از دانشجویان را دستگیر کرده و به همراه خود بردند. فردای آنشب دستگیرندگان آزاد شدند و معلوم شد ادعای وجود مواد مخدر در خوابگاه بهانه ای برای ایجاد رعب و وحشت در میان دانشجویان بود.

باز خرید اجباری، کارگران

اصفهان به علت توقف کار، موقتا به فولاد مبارکه منتقل شده اند. این دسته از کارگران هم پس از پایان کار در فولاد مبارکه دچار بلاتکلیفی خواهند شد.

مدتی پیش کارگران کارخانه فیر سازی، شیر صنعتی کاوه در ساره در اعتراض به اجحافتی که از سوی دولت و مسئولین علیه آنها اعمال می شد، دست اوتار کشیدند. مسئولین کارخانه بانگه برنبر و ما، سرکوبگر رژیم بلافاصله ده نفر از کارگران را به اتهام مخالفت با جمهوری، اسلامی تعلیق و سپس اخراج کردند. این اعتصاب در عمل سرکوب شد.

یک کارگر صنایع فولاد اراوه می گفت بعد از ۹ سال کار باز خرید شده و دوباره بصورت قرارداد استخدام شده ام. او که عده ای از مکاران نیز به همین وضع دچار شده اند اظهار می داشت، فردا نه سر کار می رویم اگر مدیریت عوض شود نمی دانیم چه خواهد شد. ممکن است شکل قرارداد، هم لغو و اخراج شویم.

چنین وضعی در ذوب آهن اصفهان نیز وجود دارد. به فیمی از کارگران پیشنهاد باز خرید کرده اند. تعدادی بناچار پذیرفته و تعداد دیگری بلاتکلیف هستند. بخشی از کارگران ذوب آهن

"کارخانه های تولید پروفیل، کارگران را به جبهه اعزام کنند"

کارگران را به جبهه اعزام کنند و با اخراج نمایند.

در شهر صنعتی کاوه

در شهر صنعتی کاوه در شهرستان ساره که در آن بیش از ۲۰۰ کارخانه و کارگاه وجود دارد بعلت کمبود مواد اولیه تولیدات اکثر واحدها به ۲۰ درصد کاهش یافته و بعضی از آنها رسا و باعلا تعلیل شده اند. شرکت پلی من، شرکت فیر سازی، شرکت پروفیل ساره از آن جمله اند.

شرکت پروفیل نیمه ستین تهران، پروفیل سپاهان اصفهان بر اثر کمبود مواد اولیه از تولید باز مانده اند. کاهش عرضه پروفیل در بازار باعث افزایش قیمت آن از ۸۰ ریال به ۷۰۰ ریال در تهران و در بعضی شهرها نیز بیشتر شده است. پروفیل در ساختمان سازی استفاده زیادی دارد. کمبود کنونی مردم را با مشکلات زیادی روبرو کرده است. اخیرا از طرف وزارت کار بخشنامه ای به کلیه کارخانجاتی که با کمبود مواد اولیه روبرو هستند فرستاده شده و در آن آمده است کارخانجات تولید پروفیل در صورت نداشتن مواد اولیه برای کار می توانست

هستی های سوخته

بخشی از یک نامه

"... زاهدان تا بنویسی است از جنایات خمینی و رهبران جمهوری اسلامی. در نژدیکه محل زندگی ما عاژاداری است. دختر ۱۹ ساله آنها مرده است. چه؟! پدر وی به قاچاقچی ها مقروض بوده است. وی قبلا کشاورزی می کرد اما دیگر اکنون رونقی در کشاورزی نیست. وی نتوانست قرض خود را به قاچاقچیان بپردازد. او از طرف قاچاقچی ها تهدید می شود که یا باید مقداری هروئین به تهران ببرد و یا وی را خواهند کشت. به پیشنهاد آنها وی هروئین را توسط

دخترش که آنها در بدن خود جاسازی کرده بود حمل میکند. دختر در ماشین بیپوش می شود و در بیمارستان می میرد. دکترها می گویند که مواد مخدر جذب خونش شده است. مدتی پیش در اتوبوسی در خارج از شهر بودم. عده ای را از اتوبوس بیرون آوردند. آنها جوان بودند و چند نفرشان بومی. ماموران آنها را ارا دار کردند تا بر مقتنات بخورند. چون به کمیته چی ها اطلاع داده شده بود که آنها در شک خود مواد مخدر به تهران و جاما، دیگر حمل می کنند. همه او این سخن می گفتند که خود مامورین و مقامات رژیم با ماشین و کامیون مواد مخدر حمل می کنند."



* در اثر سیاست های ارتجاعی رژیم و بیکاری گسترده، آمار و اعتیاد، فساد، فحشا، دزدی، چفایت و خودکشی افزایش بی سابقه ای یافته است. بطور مثال در شیراز در محل ترمینال اتوبوس های مسافری شخصی از چند جوان که کنار خیابان نشسته بودند آدرس یکی از تعاضی های مسافری را پرسید. جوانان حین پاسخ به او تعارف کردند که در جمعشان شرکت کند. وی متوجه شد که آنها به استعمال هروئین متغولند و به همین سبب آنها را از ابتکار منم کرد. یکی از جوانان پاسخ داد، اگر هروئین نکشیم چه کنیم. دیپلم گرفتیم. بی کار هستیم. فه آینده ای داریم. نه امیدی به زنده ماندن چون بالاخره چفک یقه مارا هم می گیرد. خدا پدر این ها را بیام زد که هروئین را گران نکرده اند، یک پاکت سینار ۸۰ تومان ولی یک بسته هروئین ۴۰ تومان است. پس معلوم می شود که حکومت بفکر ما است!



نقش صندوق‌های قرض الحسنه در اقتصاد کشور

بقیه از صفحه اول

قرض الحسنه با شعب مختلف فعالیت دارند که میزان اقباحت سرمایه‌های آنان به صد میلیون ریال برمی‌گردد. میزان تاسیس صندوقها، قرض الحسنه از سال ۵۷ تاکنون با شتابی فوق‌العاده در افزایش بوده و گرچه بدنال تصویب بانک اسلامی در سال ۶۲ از شتاب تاسیس صندوقها کاسته شد، ولی صندوقها حتی در همان سال نیز قارچ‌وار در گوشه و کنار مملکت آغاز بکار کردند و شتاب تاسیس صندوقهای جدید از سال ۶۴ به این سو، فوق‌العاده افزایش یافت.

صندوقهای قرض الحسنه انواع و اقسام مختلفی دارند اما فصل مشترک همه آنها، اسلامی و شریعی بودن آنهاست. تمام این صندوقها عناوین اسلامی و موازین شرعی فعالیت می‌کنند. صندوقهای قرض الحسنه دو کارکرد جداگانه داشته‌اند، اول کارکرد رسی و علفی و دوم کارکرد پنهان. بدین معنا که صندوقهای قرض الحسنه تحت پوشش کمک به "مستضعفین" و "نیازمندان" به ثروت اخذ و ائینداشت سود مشغول هستند. صندوقهای قرض الحسنه در ظاهر امر و مطابق کارکرد رسی و علفی خود، نهادهای اعتباری بوده و با دریافت پولی از مردم، مبادرت به پرداخت وام به "نیازمندان" می‌کنند. شکل اصلی کارکرد صندوقهای قرض الحسنه پرداخت وام بصورت جدولی است. و این بدین معناست که مردم با سپردن پولی در نزد صندوقهای قرض الحسنه، پس از مدت معلومی، چند برابر پول خود مستغاب با سپرده وام دریافت می‌کنند. اما کارکرد اصلی صندوقهای قرض الحسنه، نه کارکرد رسی و علفی آن، بلکه همانگونه که اشاره شد، ثروت اخذ و رسی و کسب سودهای کلان است. صندوقهای قرض الحسنه در واقعیت امر با دریافت سپرده از سوی مردم، و با تجمع این سپرده‌ها بصورت سرمایه‌های کلان انباشت شده، اقدام به سرمایه‌گذاری در عرصه‌های سودا می‌کنند. طبق ضوابط صندوقهای قرض الحسنه معمولاً پس از دریافت سپرده، بعد از گذشت ۶ ماه تا یکسال اقدام به پرداخت وام کرده و در این مدت زمان، سپرده‌ها را بدون پرداخت بهره، در اختیار خود می‌گیرند.

صندوقهای قرض الحسنه



در بسیاری از موارد، حتی در زمان موعود از پرداخت وام اجتناب ورزیده و گاه مدت دریافت وام به دو یا سه برابر مدت تعیین شده بالغ می‌شود. این صندوقها با سرمایه گردآوری شده به کسب و تجارت پرداخته و تنها بخش کوچکی از سرمایه‌های خود را بصورت وام در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. عرصه اصلی فعالیت صندوقهای قرض الحسنه، بخش خدمات بوده و کل سرمایه کلان انباشت شده این صندوقها در عرصه‌های انگلی اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرند. صندوقهای قرض الحسنه از آنجا که با نهادهای اقتصادی و مقامات حکومتی رابطه، تنگاتنگ دارند، در خروجی کالاهای دولتی و سرازیر کردن آنها به بازار سیاه، از نقش ویژه‌ای برخوردارند. صندوقهای قرض الحسنه و نهادهای اسلامی اقتصادی مشابه با مشارکت در فعالیتهای ناسالم اقتصادی، به نهادهای غارت و چپاول مردم بدل شده‌اند. بخوبی ثابت و صندوقهای قرض الحسنه جاویدان او جمله مزادان این صندوقها بوده‌اند که پرونده‌های سواستفاده‌های مالی کلان آنها در نشریه اکثریت به ترات افشاشده است.

دریافت وام از صندوقهای قرض الحسنه نیز امری ساده نیست. متقاضی ابتدا باید مبلغی را بعنوان سپرده در اختیار صندوق قرار بدهد. پس از گذشت ۶ ماه تا یکسال، در صورتیکه معرف معتبری داشته باشد و چک و سفته در اختیار صندوق قرار دهد، امکان دریافت وام را دارد ولی این مفور به معنای دریافت وام نیست. مسئولین صندوق باید تصمیم بگیرند. سخنان یکی از متقاضیان دریافت وام که در کیهان دولتی ۲۴ بهمن‌ماه بازتاب یافته است، بخوبی نمایانگر وضع پرداخت وام از سوی صندوقهای قرض الحسنه است.

"یکسال است که با هزار زحمت بیست هزار تومان جور کرده‌ام و گذاشته‌ام تو این صندوق. اولش قرار بود شش ماهه به برابر پولم را وام بدهند. سرش ماه که آدم گفتند مقررات ما عوض شده، شش ماهه وام می‌دهیم. خلاصه تا الان هر وقت مراجعه می‌کنم می‌گویند برو بعداً بیای. حالا آمده‌ام پولم را بگیرم و خودم را خلاص کنم."

بدین ترتیب متقاضیان دریافت وام، در صورتی که بخت بارشان باشد، پس از یکسال میتوانند وام بگیرند. این وام حداکثر ۲ یا ۲ برابر میزان سپرده آنها خواهد بود. شرایط بازپرداخت وام نیز فوق‌العاده دشوار است. بدین معنا که دریافت کننده وام همه ماهه باید مبلغ کلانی را بعنوان قسط وام خود بپردازد. میزان بازپرداخت وام دریافتی بعداً، است که گاه تا نیمی او درآمد ماهیانه دریافت کننده وام را بخود اختصاص می‌دهد.

میزان انباشت سرمایه برخی از صندوقهای قرض الحسنه بزرگ و انباشت سرمایه کلیه صندوقهای قرض الحسنه، عددی است که میتواند در اقتصاد کشور و در سیاستهای پولی و مالی دولت تأثیرات جدی برجای نهد. شکل عملکرد سرمایه صندوقها و عرصه عملکرد آن در اقتصاد کشور که عمدتاً بخش خدمات است - در گردش پول در جامعه، در تورم، در فروری گریز سرمایه او عرصه‌های تولیدی تأثیر نهاده و این تأثیرات بر اقتصاد بحران زده کشور، تأثیراتی سو به حساب می‌آیند. چنانکه گفته شد صندوقهای قرض الحسنه، محصول بحران و محصول ساخت و بافت کنشی اقتصاد اسلامی بوده و همزمان در دامنه بحران اقتصادی کشور تأثیر نهاده و به عاملی بحران و تبدیل می‌شود.

تجمع و انباشت هدفمند سرمایه در صندوقهای قرض الحسنه که اول طریق

جذب بخشی از نقدینگی بخش خصوصی صورت می‌گیرد، او آنجا که اوسوی نهادهای دولتی کنترل نمی‌شوند، بعنوان عاملی قوی در اقتصاد تأثیر می‌نهد. این انباشت بعدی است که میتواند سیاستهای اقتصادی حکومت را فلج کرده و یا در برابر قوه اراده سیاست اقتصادی رژیم، قوه متقابلیتی بحساب آید.

شرکت برخی از مسئولین دولتی در صندوقهای قرض الحسنه، او سوی دیگر باعث تخلف عملکردی دولت در برابر آن می‌گردد. وابستگی صندوقها، قرض الحسنه مختلف به نهادهای حکومتی و رابطه این صندوقها با شبکه‌های پرسنلی دولتی نیز او جمله موارد رودرویی قدرتها در عرصه صندوقهای قرض الحسنه است. اخیراً محتملی وزیر کشور دستور تعطیل کردن برخی از صندوقهای قرض الحسنه را اعلام کرد.

این صندوقها بدون مجوز به فعالیتهای "خیرخواهانه" مشغول بودند، تعطیلی این صندوقها باعث اقدام آنها در صندوقهای قرض الحسنه دیگر گردید.

پیچیدگی ناشی از بستگی مقامات حکومتی با صندوقها و سطح کیفیت عملکرد صندوقها، باعث موضوعی متناقض مسئولین طر او اول مملکتی شده است. او آن جمله است سخنان موسوی هجرت وزیر و سخنان رهبر جمهوری رژیم در کنفرانس اهداف برنامه ریوی ۵ ساله بانک ملی ایران، که در روزنامه رسالت ۲۵ و ۲۷ بهمن ماه با و تاتاب یافته است. میرحسین موسوی درباره گسترش بی‌رویه صندوقهای قرض الحسنه اظهار کرد: "در بعضی مواقع تشکیل این صندوقها مغایر با اصل ۴۴ قانون اساسی است و مغایر با اندیشه کمک به مستضعفین. باید با این گرایش ناسالم و حتی خطرناک در چهارچوب قوه قضائیه برخورد کرد." در روز بعد، خامنه‌ای در همان کفره ضمن اشاره به نقش و اهمیت صندوقهای قرض الحسنه در اقتصاد کشور عنوان کرد: "هم اکنون صندوقهای قرض الحسنه خدماتی به مردم می‌کنند که بانکها شاید از عهده آن برنمایند."

این چنین است که صندوقهای قرض الحسنه در حکومت سرمایه سالاران، تحت عناوین معمول "دفاع او مستضعفین" و "رقه نیاز و نیازمندان" به رقه نیاز سرمایه داران مبادرت می‌ورزند.

اجتماع اعتراضی صدها نفر از پناهندگان ایرانی در پاکستان



برای ایرانیانی که از جهنم خمینی می‌گریزند، کشورهای گریزگاه و بویژه پاکستان، ترکیه و... نیز جهنم‌های دیگری هستند و دولت‌های پاکستان و ترکیه آشکار و نهان از هیچ‌گونه اعمال فشار علیه آوارگان ایرانی و سایر ستم‌دیدگان رژیم‌های ارتجاعی مطلقه دریغ نمی‌کنند. اگر فشار افکار عمومی این کشورها و محافل بین‌المللی نبود تاکنون شیخ‌الجزیر و اوزال تعداد بیشتری از فرزندان ایران را به تیغ خمینی جلاد می‌سپردند. جمهوری اسلامی با موافقت پاکستان و ترکیه، از طریق اوباشان خود تهدید و تعقیب پناهندگان ایرانی را در همین کشورها قیود دنبال می‌کنند.

کزارش‌های مستقل حاکی است که اخیراً جمهوری اسلامی بر تعداد پاسداران خود در پاکستان بویژه شهر کراچی افزوده است. حضور آنان که با گروه‌هایی از حزب‌اللهی‌ها، پاکستانی‌ها در ارتحال هستند در کراچی کاملاً چشم‌گیر است. هدف مأموران رژیم تهران، تعقیب پناهندگان ایرانی و در شرایط مناسب سازماندهی بیورش به مراکز مسکونی پناهندگان است، نمونه‌اشچه که سال گذشته در محله کلیفتن کراچی رخ داد و نتایج چند از پناهندگان کشته شدند. در اعتراض

فداشته‌اند.

روز ۲۲ بهمن یک پناهانده کرد عراقی که تشییقات غیر انسانی دولت پاکستان و ضمایفدگی دفتر پناهانندگان سازمان ملل در کراچی به خشم آمده بود، با زدن رک گردن خود، خودکشی کرد. در همین روز در کراچی چند صد نفر از پناهانندگان با اجتماع در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهانندگان وابسته به سازمان ملل خواستار پایان دادن به سیاست‌های ارتجاعی رژیم فئواد الحقی علیه پناهانندگان و لغو تمامی

مقررات محدود کننده حقوق پناهانندگی از سوی نمایندگی سازمان ملل در کراچی شدند شرکت کنندگان در اجتماع مقابل دفتر پناهانندگی کراچی بر تأمین و به رسمیت شناختن حقوق پناهانندگی خود از سوی دولت پاکستان مصر هستند. خبر این اقدام متشکل و اعتراضی در مطبوعات و درمیان شخصیت‌های ترقیخواه پاکستان به‌طور گسترده بازتاب یافت که با حمایت و پشتیبانی آنان همراه بود.

به این اعمال و سیاست غیرانسانی دولت پاکستان و بی‌تفاوتی و عدم تقبل مسولیت دفتر کمیساریای پناهانندگی سازمان ملل، پناهانندگان به اشکال مختلف مقاومت نشان می‌دهند. که اعتصاب غذا، ۱۲ نفر از پناهانندگان در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهانندگان سازمان ملل آخرین نمونه آن است تا روز ۱۴ فوریه که اعتصاب غذاکنندگان بیستین روز اعتصاب غذای خود را می‌کларاندند هیچ‌گونه پاسخ مثبتی دریافت

تصاویری از زندگی در رژیم ملایان

... بعد از مدت‌های دراز برای رفتن به شهر خود به ترمینال تهران رفتم تمام اتوبوس‌ها را برای انتقال سربازان و بسیجی‌ها به جیبه اختصاص داده بودند. ناچار با ماشین‌های شخصی و با پرداخت مبلغی کلان راهی سفر شدم. تمام دوستان من با اینکه از من کوچکتر یا کمی بزرگتر بودند اکثراً با موهای سفید شده و چهره‌ای نه شاداب یکی یکی در مقابل من ظاهر شدند. آن شادی چندسال پیش از بین‌شان رخت بر بسته بود. از صبح زود از خواب بیدار می‌شدند به سرکار می‌رفتند و شب با کار کردن در دوپایه جای دیگر خسته و کوفته به خافه برمی‌گشتند. بامس می‌گفتند و می‌خندیدند اما حواسشان جای دیگری بود. اینکه کوپن فلان شماره گوشت، برنج، نمودکار، پنیر و غیره اعلام شده است یا نه آنها آن را دارند یا نه اگر

آن پول را می‌داشتند، فلان مشکل بر طرف می‌شد و... یکی معلم است. زن و دوپچه دارد صبح ساعت ۵ از خواب بیدار می‌شود برود یک ده فزیدیک برای تدریس. ساعت ۲ بعد از ظهر برمی‌گردد نهار می‌خورد و کمی بعد می‌رود دنبال کوپن‌ها و بن‌ها، مختلف، دنبال شیر برای بچه‌ها. هوا که تاریک شد خسته برمی‌گردد شام می‌خورد. فکاهی به درسی که فردا باید به دانش‌آموزان بدهد می‌کند. بعد یاد بچه‌های خودش و بازی با آنها می‌افتد اما هر دو خوابیده‌اند. روزهای جمعه روز فاضله می‌خواهد پسر کوچکش که چهارسال دارد وقتی به رادیو گوش می‌دهد و یا تلویزیون نگاه می‌کند شماره کوپن‌هایی را که اعلام می‌شود به خاطر سیرده به پدر و مادرش می‌گوید بچه دیگر که تقریباً یک سال دارد اگر غروب پدرش را بدون

دبه شیر ببیند داد می‌زند "شی، شی" او هم یاد گرفته که باید برای سیر کردن شکمش دنبالش بوده و فعلاً کاری که از دستش برمی‌آید این است که داد بریزد و گریه کند مادرشان نیز معلم است و وضعیتی مافوق شورش دارد.

مادرم و پدر پیر خودم هم کوپن می‌فروختند، سیکار می‌فروختند. کوپن‌هایی که چندان احتیاج نداشتند و یا سیکار رابه نسبت قیمت آزاد به سیکار فروش می‌فروختند و چیزهایی دیگر رابه نرخ آزاد می‌خریدند... باید گوش به زنگ باشی که برای چه کالایی اسم نویسی می‌کنند. اگر پولی داشته باشی می‌روی، برای قیچی، مداد، پاک‌کن، ماشین لباسشویی،... اسم می‌نویسی. قرعه‌تجیه که شد اگر به اسم تو افتاد آترا به قیمت خیلی گرانتر می‌فروشی و چیزهایی دیگر را بهمان

نسبت گران می‌خری. خمیر دندان را که در قرعه‌کشی بردی ۱۵ تومان می‌خری و در بازاری آواد ۵۰ تا ۶۰ تومان می‌فروشی. قیچی را ۱۵ تا ۲۰ تومان می‌خری و ۲۰۰ تومان تا ۲۵۰ تومان می‌فروشی... و هیچکدام از این خرید و فروش‌ها تکافوی مخارج را نمی‌دهد. پس دنبال کار دیگری باشی، اگر ماشین‌داری مسافرکشی کنی، اگر... و برای هر کاری باید قرع دلار و پاوند وین و غیره را بدانی. مادری را دیدم که پول قابل توجهی را برای دختر بچه‌اش کنار گذاشته بود و او وی پرسیدم مادر این پول برای خرید چه چیزهایی برای دخترت هست؟ او هر چند می‌زد و گفت برای این است که اگر روزی مریض شد بتوانم معالجه‌اش کنم."

از مصیبت‌های کشاورزان آمریکا

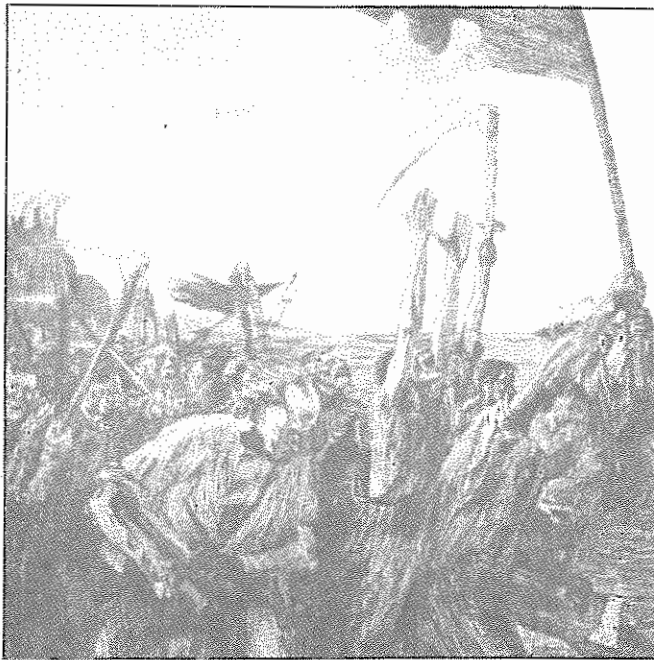
مطلب زهر را از روزنامه نیویورک تایمز برگرفته‌ام؛

"اکنون پنج سال است که سخت‌ترین بحران از پنجاه سال پیش تاکنون، گریبان کشاورزی آمریکا را گرفته است. این بحران، بطوریکسان هم کشاورزان و هم شهرنشینان را از پیوندها و ارزش‌هایی محروم می‌کند که از مدت‌ها پیش تکیه‌گاه آنها بوده است. از هنگام جنگ داخلی، منطقه غرب میانه آمریکا منبع مواد غذایی، نیروی کار، اختراعات، صادرات و نیمی اُروسای جمهوری بوده است.

خانواده، هنوز بخیان کشاورزی آمریکاست. اما در فاصله ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵، شمار واحدهای دهقانی ۹ درصد و شمار واحدهای بافروش کمتر از ۲۰ هزار دلار در سال بیش از ۶۰ درصد کاهش یافته است. ۲۰ درصد واحدها به افراد بالاتر از ۶۰ سال و تنها ۶ درصد به افراد کمتر از ۲۵ سال تعلق

خانواده‌ها در گریز از الکل، اعتیاد، دعوای توام با ضرب و چرخ خانوادگی و یا خودکشی، به این مراکز روی آورند.

گاه افراد به مردم دیگر حمله‌ور می‌شوند. در دسامبر ۱۹۸۵ در شهر لون‌تری یک دهقان که به پول نیاز داشت به بانک آنجا رفت تا چکی را وصول کند. مأمور بانک، او را می‌شناخت. ناچند، پیش از آن، همین شناخت کافی بود. اما بانکهای شهرهای کوچک هم مشکلات دارند، و خطری که موجودیت آنها را تهدید می‌کند، محتاطان کرده است. چک را قبول نکردند. ظرف یک ساعت، آن دهقان که زمانی از افراد مرفه جامعه بود، همسرش، رئیس بانک، یکی از همسایگانش و بالاخره خود را کشت. بیتر ژورنرکن، رئیس درمانگاه اعصاب لون‌تری می‌گوید: "از فرط زیادی بیماران فرصت



سخن‌روز

"تنها کشوری که در جهان حقوق بشر را رعایت می‌کند جمهوری اسلامی ایران است."
رسالت ۱۵ بهمن ۶۶ به نقل از شیخ سعید زیشام حیدرچوادی، یکی از مفتخوریانی که از کیسه مردم ایران در "کنفرانس اندیشه اسلامی" شرکت کرده است.

"تنبیه بدیع"

یک نوجوان را به زنجیر کشیده‌اند و بر روی پایش یک کنده‌سنگین نهاده‌اند، شکنجه‌ای قرون وسطایی در یک مدرسه علوم دینی در پاکستان.
این عکس در روزنامه "داون" چاپ اسلام‌آباد انتشار یافته است. در ژوئیه ۱۹۷۸، این شکنجه "فوق بدیعی از تنبیه" توصیف شده است. روزنامه "داون" نوشته است که این نوجوان، به مدت ۲۴ ساعت در این وضعیت نگه داشته شده است.



"مزرعه به فروش می‌رسد" - مغلظه‌ای عادی در غرب میانه آمریکا.



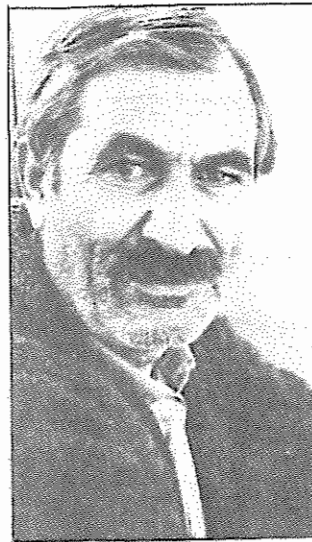
برخاراندن نداریم." پُرشکان متخصص، دیگر کار خود را بر روی آموزش افرادی که تنها نقش "شغوشندگان خوب" برای درددل مردم را خواهند داشت، متمرکز کرده‌اند. این افراد، مردان و زنان داوطلبی هستند که با گوش کردن به درددل همسایگان خود، می‌کوشند با تغهایی و فامیدی آنها مبارزه کنند. خاتم چون بلندل، مشاور اجتماعی در شمال غربی آیووا، داستان‌هایی زیادی در باره فشارهای اجتماعی و مالی دارد که تعریف کند، از خانواده جوانی که در آمدش ۹ هزار دلار در سال است، روزانه ۱۶ ساعت کاری کند و تمام هم و غمش این است که لااقل این زندگی را حفظ کند، و یا جوانی که به تلفن‌ها جواب نمی‌دهد زیرا می‌ترسد طلبکاران سراغ پدرش را بگیرند و پدرش خود را در افسار حلق آویز کند.

دارد، که این حاکی از مهاجرت فرزندانش دهقانان به شهرهاست. علیرغم یک رشته برنامه‌های برعزیمه دولت، مزارع واقع در مناطق دورافتاده غرب میانه، متروکه شده‌اند. در شهرهای کوچک بردر مغازه‌های زیادی تخته کوبیده‌اند. این مناظر، شاهدان ساکت مهاجرت اجباری خانواده‌ها به شهرهای بزرگترند. این خانواده‌ها اغلب مزارع خود را در اختیار بانک‌هایی می‌گذارند که به آنها مقروضند.

مصیبت‌های انسانی پدید آمده از تغییر ساختار اقتصادی، بی‌شمارشد. مراکز مشاوره تلفنی، توان پاسخ دادن به همه مردم نگرانی را که سؤال حقوقی دارند و می‌خواهند بدانند چگونه می‌توانند مزارع خود را که از نسلی پیش داشته‌اند، حفظ کنند، ندارند. همچنین بسیاری از

طرحی مختصر از زندگی یک بنیادپروان شرکت واحد - حاصل یک گفتگو

صاحب خانه‌ای یا اجاره‌نشین ؟ هیچکدام، آلونک‌نشینم



ار چه سالی در شرکت واحد انبوه‌سازی انجام دادی؟
 من در ۲۴/۸/۲۷ در شرکت واحد انجام دادم. ۲۴ سال است که سمت انبوه‌ساز می‌روم. برای خودش عمری است که در ساختمانی است مری می‌گذرانده‌ام.
 قبل از کار در شرکت واحد چه شغلی داشتی؟
 در گامه کار می‌کردم.
 چرا شرکت واحد را انتخاب کردی؟ انگیزه خاصی در کار بود یا از سر تصادف طبیعت فروش شدی؟
 در آن زمان فکر می‌کردم که کار دولتی ناس دارد. است و آینده دارد. زندگی مردم و به‌عالم ناس می‌شود. نمی‌دانستم که اینطور می‌شود. اگر با آن کار را می‌دانستم از اول دنبال کار دیگری می‌رفتم.
 متولد کجایی؟
 اهل مکن شهر آذربایجان هستم. از سال ۲۱ به تهران آمدم آن زمان ۲۰ سال داشتم.
 چرا از مکن شهر به تهران مهاجرت کردی؟
 آن وقتها جوان بودم. سطح زندگی و امکانات کار در تهران از همه جا بالاتر و بیشتر بود. سا آمد زندگی بهتر به تهران آمدم پدر ما که فوت کرد، خانواده بزرگ شده بود. هر کسی برای امرار معاش به جایی رفت من هم به تهران آمدم.
 اکنون و با پس از بازنگری دوست داری به شهر خودت برگردی؟
 برگردم چه کنم. آنجا کسی را ندارم. کاری هم ندارم. من همین تهران زن گرفته‌ام و باید حسن‌حاشم.
 ماجرات جعفر حقوق می‌گیری؟
 کار ما، کار خاصی است. اگر کار یکم حقوق

می‌دهد، اگر یکم نمی‌دهد. حقوق اصلی من روزی ۱۲۲ تومان و ۴ ریال است.
 در روز چند ساعت کار می‌کنی؟
 ۷ ساعت و ۳۰ دقیقه. یک ماه صبح کار هستم از ساعت ۶ تا ۱/۲۵ بعد از ظهر و یک ماه عصر کارم از ساعت ۱/۲۵ تا ۸/۲۵ عصر در این دهه که یکم می‌سپم.
 چند ماه بعد داری؟
 ۲ تا ۳ و ۲ دختر.
 چقدر حق می‌گفتی؟
 یکی برابری است. یک دخترم کلاس ۹ است و ۲ تا هم برگ حاصل کرده‌اند.
 آن دنیا چرا در گامه را ادامه ندادی؟
 سواستند درس خواندم. من می‌توانستم خرجی و عیال خانواده را برانم با این حقوقی که من دارم می‌شود که یک نفر کار کند ۷ نفر خوردند.
 بروید سر کار با کمک خرج خانواده نماند. از دور فرزندم که برگ حاصل کرده‌اند یکی سنگار است و یکی کار می‌کند.
 به‌جهت از گارت واقعی هستند؟
 نه راسی هستند. در جنبه‌های عمومی مثلاً در مدرسه آنها را سرزنش می‌کنند وقتی در جایی می‌روند که به‌برمان شیب‌فروش است، مردم نظری رنبار می‌کنند که به‌جهت‌های ما حالت می‌کنند.
 اگر کار به‌باید شود دوست داری به‌جهت‌های سفلی تو را داشته باشی؟
 اگر اینطور که هست مانند ما! سنگار مانند سبتر است. ما از روی اجاری مجبوریم این کار را

یکم ۲۳ سال رده‌گی من در آن دهه که می‌سپم گذشته است حالا نه آینده‌های دارم و نه ماضی.
 در سال چند روز مرخصی داری؟
 یک ماه.
 در ساعتی که در باجه طبیعت فروشی می‌گذرانی چگونه خودت را سرگرم می‌کنی؟
 با همین گشت‌ها. وسیله دیگری ندارم. اگر رادیو داشتم گوش می‌کردم. اما بیول خرید رادیو را ندارم.
 در خانه و در ساعت‌های بیکاری حتماً تلویزیون تماشا می‌کنی و با فرزندان گوش می‌دهی. کدام برنامه تلویزیون را بیشتر می‌بینی؟
 کار ما از پس‌انداز و پس‌انداز گذشته است. این کارها هم وقت می‌خواهد و هم حوصله. ما دنبال ما روزانه خودمان هستیم.
 سینما چطور؟ به‌فيلم‌های سینمایی تا چه حد علاقه داری؟
 بدت‌ها است که سینما برنماید.
 آخرین باری که سینما رفتی کی بود و چه فیلمی را دیدی؟
 آخرس مار اگر درست بادم باشد ۳۸ سال پیش بود که سینما رفتم فیلمی در ساره اسرارلان نامدار بود. خیلی خوشم آمد. جوان بودم و لذت بردم.
 چند کلاس درس خوانده‌ای؟
 سواد من در حد خواندن و نوشتن است.
 در اوقات بنگاری کتاب یا روزنامه می‌خوانی؟
 کتاب که نه! خواندم در آن حد نیست. روزنامه گاهی می‌خوانم.
 آخرین باری که روزنامه خواندی کی بود؟
 بادم نیست.
 خواندن و نوشتن را چگونه یاد گرفتی و چرا ادامه ندادی؟
 خواندن و نوشتن را در دهه که بودم یاد گرفتم. بدم که فوب کرد ما مغز شدم مجبور شدم کار کنم و با آن‌ها باشم. این بود که درس را دنبال کردم.
 دلت می‌خواهد درس خواندن را ادامه دهی؟
 حسابم درست و حسابی نمی‌بیند. البته حال و حوصله هم ندارم. درس خواندن ناشی در وضع ما ندارد.
 برای مطالعه چه‌جسبات چرا به‌دکتر نمی‌روی؟
 ما دیگر فراتر است یک روز مرخصی بگیرم بروم دکتر.
 صاحب‌خانه هستی یا اجاره‌نشین؟
 هیچکدام. آلونک‌نشینم. در زمینی که نمی‌دانم مال کسب یک آلونک ساختم که سند ندارد. سال ۱۳۳۱ آن را ساختم سرمداری مرتب تهدید می‌کند که آلونک ما را خراب خواهد کرد. بارها به‌ما نوب داده‌اند که به‌ما خانه خواهند داد. اما از همان سال که گفتم تا حالا مال‌آلونک‌نشین هستیم.
 با درآمدی که داری برنامه‌های خارج خانواده را چگونه تنظیم می‌کنی؟
 ما از اول به‌این وضع عادت کرده‌ایم. با وضع بد سازش کرده‌ایم. البته سخت سازش کرده‌ایم.



تا حالا که ساخته‌ام.
 در اوقات بنگاری چه تفریحاتی داری و چه سرگرمی‌هایی بیشتر تو را به‌خود جذب می‌کند؟
 برادر مثل اسکات درست متوجه نشدی! تفریحات بول می‌خواهد. هر کاری که خواهی بکنی باید بول داشته باشی. اگر خواهی دست زن و به ما را بگیر و حتی به‌یک بزرگ بروی خرج دارد. من تفریحی ندارم می‌روم خانه پیش چه‌جا. تفریح ما در خانه ماندن است.
 تا حالا مسافرت رفتی؟
 نظریوم مسافرت به شهرهای مختلف برای تفریح و گشت و گذار است؟
 خیلی قدیم دوبار رفتم مشهد برای زیارت. غیر از آن مسافرت نرفتم.
 اگر مسافرت تفریحی پیش‌باید دلت می‌خواهد به‌کدام یک از شهرهای ایران سفر کنی؟
 ای بابا تو هم که به‌تور ما خوردی انگار با از فرنگ آمده‌ای. با خبری از دخل و خرج و زندگی نداری. من می‌گویم دخل و خرج ما جور نیست توان مسافرت و تفریح و اینطور چه‌برها سرف می‌زنی...
 برای دوران بازنشستگی چه برنامه‌های داری؟
 می‌خواهی چه بکنی؟
 هیچ برنامه‌ای ندارم. چه برنامه‌ای می‌توانم داشته باشم. نه سرمایه‌های دارم و نه کاری بلدم.
 اگر مدیریت شرکت واحد بودی برای به‌ببود حال کارکنان و به‌ویژه طبیعت‌فروشی‌ها چه می‌کردی؟
 در مرحله اول همه کارگرا را جمع می‌کردم. با آنها حرف می‌زدم. زندگی آنها را تأمین می‌کردم. به‌آنها مسکن می‌دادم. موضوع چه‌جای آنها می‌رسیدم. حالا که من و تو مدیریت نمی‌شویم پس این حرف‌ها چه فایده‌ای دارد؟
 بر گرفته از نشریه

"صنعت حمل و نقل" شماره ۵۲

کمک‌های مالی رسیده

۲۰ مارک	"معلم میثم"	۱۰۰ مارک	Wolfram
۵۲ مارک	از لندزهوت	۵۰ مارک	Weltheiden
۴۰ مارک	Karl از لندزهوت		با یاد "صد" از دورتموند - آلمان
۵۰۰ مارک	"۸۱" از بوخوم - آلمان فدرال	۴۰ مارک	فدرال
۵۲/۵ مارک	به‌یاد رفیق بیدختی از دورتموند - آلمان فدرال	۴۰۰ مارک	با کد "رفیق سعید اشرف" از بیلفلد - آلمان فدرال
	"به‌یاد رفیق شهید محمد امین شیرخانی (کاکا مینه)"	۲۵ مارک تمهر	با کد "رفیق صفایی فر اهانی از بیلفلد - آلمان فدرال درآمده‌ای‌حالی از همکاری از شهر دارمشتات - آلمان فدرال
	از اوره‌بروسوئد	۲۹۶۰ مارک	جعفر از مورس
۱۰۰ کرون	از دانشمارک کمک به زندانیان سیاسی	۱۰۰ مارک	"م" از فلبرت
۲۴۶ کرون	از دانشمارک کمک به زندانیان سیاسی	۵۰۰ مارک	"ش" از فلبرت
۵۰ کرون	دماوند از آلمان فدرال	۵ مارک	"ع" از اپیتال
۱۰۰ مارک	کمک به واحدهای فدایی در داخل کشور	۱۰ مارک	یک مسافر به رفیق "س"
۲۳۸ مارک	از شورشرک - آلمان فدرال	۱۲۰ تومان	م - اب ال‌دنبورک - آلمان فدرال
	کمک به واحدهای فدایی در داخل کشور	۱۰۰ مارک	یک رفیق هوادار
۵۰ مارک	از مونیخ - آلمان فدرال	۱۵۰ مارک	

ویژه "متحدین استراتژیک" خود را هماهنگ می‌سازد. عمل سری اسرائیل در چند کشور آفریقائی و بویژه در ژنیر با "سیا" همکاری می‌شایند.

همکاری نظامی و سیاسی اسرائیل با رژیم آفریقای جنوبی خطر بزرگی برای آوادی و استقلال کشورهای آفریقا در بردارد. اسرائیل براساس تقسیم وظایف با آمریکا به دیکتاتوری‌های شیلی، پاراگوئه، السالوادور، هندوراس سلاح تحویل می‌دهد یعنی واشنگتن به رژیم‌های جنوبی و ام‌های همکاری می‌پردازد، و تل‌آویو در برابر این وام‌ها به آنان اسلحه می‌فروشد و بدین‌سان مانند دستیار خامشی "نواستعماری" ایالات متحده در آمریکای مرکزی عمل می‌کند.

حقایق به کوفه تکذیب ناپذیر گواه ایست که صهیونیسم قش گروهِ ضربت امپریالیسم را ایفا می‌شاید. بنابراین مبارزه با امپریالیسم باید هم‌زمان با مبارزه علیه ساؤمان‌های صهیونیستی که عملیات خرابکارانه آنها امنیت دولت‌ها، صلح و دوستی میان خلق‌ها را تهدید می‌کند پیش‌برده شود.

مجله نظامی شروع،

شماره ۱۱ شواهر ۱۹۸۶

صهیونیست‌ها از يك جنگ واقعی سخن می‌گویند



یک مزدور صهیونیست در حال دریدن شکم یک فلسطینی مهربان و بی‌عش با کارد سر برآزی است

بقیه از صفحه اول

اسرائیلی مجدداً یک جوان فلسطینی را زنده بگور کرده‌اند. اهالی موفق شدند این جوان را نجات داده و به بیمارستان انتقال دهند. در اواخر هفته اهالی مناطق اشغالی به شیوه خاص خود به شولتو، وژیور خارجه آمریکا که به اسرائیل سفر کرده بود، "خوش آمد" گفتند. اعتصاب و تظاهرات سرتاسر مناطق اشغالی را در بر گرفت. تظاهرکنندگان در شعارهای خود نفرت بیکران خود را نسبت به آمریکا، به

عنوان حامی اصلی رژیم صهیونیست، ابراز می‌داشتند. در روز چهارشنبه رونالد ریگان قیام خلق فلسطین را "اقتشاشی که به توسط تروریست‌ها رهبر، می‌شود" توصیف کرد. آمریکا و اسرائیل، پاسخ دندان شکنی از خلق فلسطین گرفتند، در روز جمعه ۲۶ فوریه به دعوت سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سرتاسر مناطق اشغال شده تظاهرات و اعتصاب برگزار شد و این مناطق راه یک مشت ستمبر برافراشته بدل کرده

بقیه از صفحه آخر

و دیپلوماتیک است که با بخش‌های مشابه در ایالات متحده، انگلستان، آلمان فدرال و دیگر کشورهای سرمایه‌دار، همکاری می‌کنند.

"یهودیان ایالات متحده آمریکا کانون فعالیت تمام ساؤمان‌های صهیونیستی است. جامعه یهود آمریکا بیش از ۶ میلیون نفر را در بر می‌گیرد و دارای بیش از ۲۰۰ ساؤمان مرکز، با هزاران شعبه، ۴۵۰۰ کنسنت، قریب ۲ هزار مدرسه، ده‌ها موسسه آموزش عالی است. ۷۰ درصد نثریاتی که مختصاً افتخار می‌یابند و ۸۰ درصد برنامه‌های تلویزیونی در آمریکا تحت کنترل صهیونیست‌هاست.

بروزوازی بزرگ یهود در بخش‌های مالیات، اقتصاد و سیاست ایالات متحده دارای مواضع کلیدی است صهیونیست‌ها از این طریق بر رهبران ایالات متحده و دیگر کشورهای سرمایه‌داری نفوذ دارند. مثلاً در ایالات متحده ده‌ها هزار به اصطلاح "مشاور" سرگرم مشاوره با مقامات بلند پایه هستند. از آنجمله اعضای "کمیته مقاسبات اجتماعی آمریکا و اسرائیل" و "کنفرانس روسای سازمان‌های بزرگ یهودی" عهده‌دار چنین نثتی هستند. یکی از معاونین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نفوذی رابط میان هیئت‌های اداری و محافل صهیونیستی را ایفا می‌کند.

امپریالیسم که در بی تسلط بر تمام جهان است، از صهیونیسم بین‌المللی بعنوان گروهِ ضربت علیه سوسیالیسم جهانی، جنبش کمونیستی و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی بهره می‌گیرد.

صهیونیست‌ها از اولین روز موجودیت کشور شوراها مبارزه با آن برخاستند. از اینرو فعالیت سازمان‌های صهیونیستی اتحادشوری او سال ۱۹۲۷ ممنوع گردید. صهیونیسم بین‌المللی از خرابکاری بر ضد اتحادشوری و سوسیالیسم جهانی دست نکشیده است. صهیونیست‌ها در سال ۱۹۵۶ از نیروهای ضد انقلابی در مجارستان و سال ۱۹۶۸ در چکسلواکی و همچنین لهستان و سایر کشورها پشتیبانی می‌کردند.

هم اکنون ساؤمان‌های صهیونیستی چون "نهای بریت" که سال ۱۸۴۲ در آمریکا تاسیس گردیده و در کشورهای سرمایه‌داری شعبه دارد، "گروه بین‌المجالس در مورد حقوق بشر در اتحاد جماهیر شوروی" اروپا، "جامعه دفاع از یهودیان" و مانند آن سرسختانه اتحادشوری را مورد حمله قرار می‌دهند. حزب

صهیونیسم، گروهِ ضربت امپریالیسم

به مردم بومی آن دیار بود به چنگ آورد. در سال ۱۹۸۰ پارلمان اسرائیل شهر بیت المقدس را پایتخت "جاوید و جدائی‌ناپذیر اسرائیل" اعلام نمود و از سال ۱۹۸۱ قوانین اسرائیل را بر بلنده‌های، جولان که بخشی از خاک سوریه است جاری ساخت.

اسرائیل "سرزمین‌های اشغالی" اعراب ده‌ها شهرک یهودی ساخته و رژیم ترور و آدم‌کشی در آنها حکم فرما ساخته است و حتی بچه‌های فلسطینی را همواره ترور و تهدید می‌کند و برای آنان "مراکز بازپروری" ساخته است که در آنجا فرزندان و کودکان فلسطین مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می‌گیرند در این مراکز کارها را بچگان بچه‌ها می‌اندازند. تصادفی نیست که ساؤمان مال در قلعنامه شماره ۲۲۷۹ خود صهیونیسم را سیاست فزادپرستی نامیده است.

در ساؤمان "سیا" سنسنت خاصی وجود دارد که عملیات مخفی خدمات

اسرائیلی "ما" (عمل) که عضو افترا سونال سوسیالیستی است مشغول پیشبرد سیاست ضدشوری است.

صهیونیسم جهانی به کمک امپریالیسم آمریکا برای انجام "رسالت تاریخی" اسرائیل یعنی ایجاد دولت یهود "از قبل تافرآت" دستگاه بر قدرت نظامی در اسرائیل بوجود آورده است. اسرائیل برای آمریکا نقش "زاندانم منطقه" در خاور میانه دارد و در عین حال ابزار عمده پیشبرد سیاست استعماری صهیونیست‌هاست.

ایالات متحده آمریکا، اسرائیل را در پیشبرد جنگ‌های تجاوزکارانه و راه‌انداختن عملیات راهزنانه و تروریستی علیه کشورهای عربی یاری می‌کند. آمریکا به کمک متحدان خود در "بیمان‌قاتر" از عملیات بمباران تاسیسات علمی و تحقیقی هسته‌ای عراق، مقر ساؤمان آزادی‌بخش فلسطین در تونس توسط اسرائیل حمایت بعمل آورده و در جنگ کثیف لبنان در سال‌های ۸۲ - ۱۹۸۲ مستقیماً شرکت نموده و در سال ۱۹۸۲ کشور لیبی را بمباران کرد.

در شواهر سال ۱۹۸۲ موافقت‌نامه "همکاری استراتژیک" میان واشنگتن و تل‌آویو به امضا رسید که بدنبال آن مهم‌ترین عملیات امپریالیسم آمریکا با صهیونیست‌های اسرائیل بویژه شدت یافت. اسرائیل پس از انگلستان و جمهوری فدرال آلمان متحدسوم ایالات متحده در زمینه اجرای ابتکار استراتژیک دفاعی است. طبق گزارش خبرگزاری‌های غربی تل‌آویو یک سلسله طرح‌های فنی در اختیار واشنگتن گذاشته و بعضی از شرکت‌های اسرائیلی در اجرای دستورات آمریکا هیچگونه درنگی از خود نشان نمی‌دهند.

استعمار سرزمین‌های عربی یکی از اهداف عمده صهیونیسم است. اسرائیل در نتیجه عملیات جنگی، شانتاژ، تهدید، تضییقات توده‌ای و استفاده ماهرانه از مکانیسم بوروکراسی، خلق عرب فلسطین را از وطن خود بیرون رانده و بر سرزمین مادری آن دست انداخت. اسرائیل بیش از نیمی از سرزمین زرخیز ساحل غربی رود اردن و نوار غزه، را که متعلق

چهل سال از پیروزی سوسیالیسم در چکسلواکی گذشت

دیالکتیک انقلاب

شوشه آلویس ایندرا، عضو هیات رئیسه کمیته مرکزی، حزب کمونیست چکسلواکی

کمونیستها نفوذ نیرومندی داشتند، ایفای نقش مهمی را آغاز کردند.

در مناسبات میان خلق چک و اسلواک نیز تغییرات مهمی روی داد. از آن پس این مناسبت بر اصل حقوق برابر استوار شد. این امر به معنای چشمپوشی از اندیشه بورژوازی "چکسلواکیسم" بود که استقلال اسلواک ها را نقض می کرد.

با اینکه بخشی از بورژوازی، هنوز در اداره امور دولتی شرکت داشت (ومثلاً در نهادهای قضایی نقش بسیار محسوس ایفا می کرد) و مواضع معینی در زندگی سیاسی را حفظ کرده بود، حرف آخر را در شهر و روستا زحمتکشان می زدند.

قدرت بورژوازی، بزرگ با مصادره اموال اشغالگران و خائنین، تجدید نظر در اصلاحات ارضی سال ۱۹۱۹، ملی کردن معادن، کارخانه های بزرگ، بانکها و شرکت های بیمه از میان رفته بود. در اقتصاد سه بخش شکل گرفتند، بخش دولتی (و بطور بالقوه سوسیالیستی)، بخش سرمایه داری و بخش تولید غیر دکالایی. با این حال بورژوازی در اقتصاد هنوز تاحدی قدرت داشت.

پس از آنکه با پیروزی انقلاب ملی - دمکراتیک، تضاد عمده یعنی تضاد میان فاشیسم و دمکراسی حل شد، تضاد آشتی ناپذیر میان کار و سرمایه، میان طبقه کارگر و بورژوازی، بیش از پیش روبه ظهور به مثابه تضاد عمده نهاد.

نمایندگان ارتجاع، در برابر تحقق پیگیر برنامه های حکومت که خود به آن رای داده و آن را تصویب کرده بودند، مقاومت می کردند و می کوشیدند انقلاب ملی - دمکراتیک را از محتوا خالی و سرمایه داری را بازسازی کنند.

در مقابل، حزب کمونیست که هرگز پنهان نداشته بود که هدف استراتژیکش پیروزی سوسیالیسم است، تلاش های خود را بر تکامل انقلاب ملی - دمکراتیک متمرکز کرد. ح. ک. چ، میان جنبش انقلابی - دمکراتیک و مبارزه برای سوسیالیسم پیوند برقرار کرد و می کوشید به گونه ای عمل کند که انقلاب ملی - دمکراتیک به آستانه انقلاب سوسیالیستی تبدیل شود. در جریان مبارزات طبقاتی بسیاری با بورژوازی، در میان اقتدار زحمتکشان آگاهی انقلابی رشد کرد و آنها به این شناخت رسیدند که تنها نظمی جدید می تواند اقتداراتشان را بطور کامل بر آورده کند. این امر به ما امکان داد به تدریج خواستهایی با محتوای هر چه روشن تر سوسیالیستی مطرح کنیم.

حزب کمونیست، تلاش های خود را معطوف به گذار مسالمت آمیز انقلاب ملی - دمکراتیک به سوسیالیستی نمود. امکان این امر را هم رژیمونی طبقه کارگر در انقلاب ملی - دمکراتیک و هم شرایط خارجی، به ویژه موجودیت اتحاد شوروی با قدرت اقتصاد، و دفاعی اش که اجازه به عقب برگراندن روند انقلابی را به نیروهای امپریالیستی نمی داد،

در برگیرنده طبقه کارگر، دهقانان، افسار میانی و بورژوازی ضد فاشیست و دمکرات بود. این ائتلاف و بلوک، تبلور سیاسی خود را در شکل جبهه ملی چک ها و اسلواک ها یافت. حزب کمونیست و احزاب غیر کمونیست در این جبهه حول برنامه مشترکی برای نوسازی، جمهوری، رهبری یافته و ادامه ساختمان آن متحد شدند (مقتور، برنامه آوریل ۱۹۴۵ حکومت و برنامه بازسازی، مصوب ژوئیه ۱۹۴۶ است). جبهه ملی در این مرحله، وحدت گسترده ای را تبلور می بخشید. در عین حال، شرایط آن فراموشی آمد که این جبهه به "تخته پیرش"ی، برای مبارزه در راه سوسیالیسم تبدیل شود.

در پیروزی انقلاب ملی - دمکراتیک، که در مرحله نخست خود شکل مبارزه مسلحانه را به خود گرفت (قیام ملی اسلواکی در اوت ۱۹۴۴ و قیام خلق چک در مه ۱۹۴۵)، رژیمونی طبقه کارگر نقش تعیین کننده ای ایفا کرد. طبقه کارگر عمیقاً در تحقق پیگیر اهداف انقلابی ذینفع بود. ح. ک. چ نفوذ خود را به میزان عمده، گسترش داد. در این رابطه، سم جهانی - تاریخی اتحاد شوروی، در نابود فاشیسم هیتلری و رسالت رهبری بخش ارتش سرخ در چکسلواکی، اهمیت خارق العاده ای داشت. پایداری و شجاعت کمونیستها در مبارزه با فاشیسم هیتلری و نقش آنان در جنبش مقاومت داخل و خارج از کشور به روشنی نشان داد. ح. ک. چ، پیگیر ترین مدافع منافع ملی است و جمهوری دوباره بپا خاسته بدون حزب کمونیست اداره کردنی نیست. در مقابل، احزاب سیاسی راستگرا که بیانشگر اراده بورژوازی، بزرگ بودند، در برابر فاشیسم هیتلری بوج بودند "میهمان پرستی" چنگالی خود را نشان دادند و به کلی بی حیثیت شدند. مهمترین نتیجه انقلاب ملی - دمکراتیک این بود که خلق ها، چک و اسلواک استقلال دولتی خود را باز یافتند.

دمکراسی توده ای، ایجاد شده، به دلیل تزلزلات عمیق سیاسی و اقتصادی، با جمهوری بورژوازی دوره پیش از مونیخ (کنفرانس ۱۹۴۸ مونیخ که در آن رهبران انگلیس و فرانسه، چکسلواکی را به هیتلر "بخشیدند" - اکثریت) تفاوت ماهوی داشت. با اینکه مکانیزم دمکراسی پارلمانی حفظ شده، اما دستگاه دولتی دمکراتیک توده ای، دگرگونی عمده ای را از سر گذرانده بود. در این دمکراسی، پایگاه قدرت را کمیته های محلی ایجاد شده در جریان پیکار رهبری بخش ملی تشکیل می دادند. زحمتکشان از طریق این ارگانها درباره امور دولتی در سطح محلی تصمیم می گرفتند. حزب کمونیست برای نخستین بار به حزبی حاکم تبدیل شد و در همه نهادهای دستگاه دولتی حضور داشت. تنها احزابی به موجودیت خود ادامه دادند که حول برنامه جبهه ملی متحد شده بودند. در زندگی سیاسی، چند سازمان اجتماعی واحد (سندیکاها و سازمان های جوانان) که در آنها

۲۵ فوریه امسال، چهل سال از پیروزی سوسیالیسم در چکسلواکی به دنبال سه سال مبارزه برای فراوانی انقلاب دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی، گذشت. "اکثریت" در شماره های گذشته خود با جابجایی مقدمه به معرفی انقلاب های خلقی دهه ۱۹۴۰ در اروپا پرداخته است. در این شماره، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی، فوریه، به بررسی مسائل فراوانی انقلاب دمکراتیک به سوسیالیستی در چکسلواکی می پردازیم. و بدین منظور، ترجمه مقاله ای از آلویس ایندرا عضو رهبر، حزب کمونیست چکسلواکی و صدراعظم این کشور را که در شماره ۲ سال ۱۹۸۸ (نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" به چاپ رسیده است، درج می کنیم. این مقاله، علاوه بر تشریح رویدادهای پیش و پس از فوریه ۱۹۴۸ چکسلواکی، حاوی الملاحظاتی درباره اهداف روند نوسازی کنونی در این کشور نیز هست.

در فوریه ۱۹۴۸، خلق ما بطور نهایی راه سوسیالیسم را در پیش گرفت. چهلمین سالگرد این رویداد مهم مناسبتی است تا بار دیگر به تئوری، یعنی انقلاب سوسیالیستی، اندیشه فراوانی انقلاب دمکراتیک به سوسیالیستی و کاربرد خلق آن در چکسلواکی بپردازیم.

ثابته است شرایط تاریخی، را به یاد آوریم که حزب کمونیست چکسلواکی (ح. ک. چ) تحت آن، استراتژی و تاکتیک راهگشای پیروزی، رقم جدید را تدوین کرد. می دانیم که در سال ۱۹۲۹ موجودیت چکسلواکی به مثابه دولتی مستقل، پایان یافت زیرا بورژوازی، بزرگ دمکراتیک خیزش شده و قدرتها، غربی به فاشیسم متجاوز میل، امتیاز داده بودند.

در موقعیتی که اشغال فاشیستی موجودیت ملت چک و اسلواک را تعدید می کرد، تضاد عمده، تضاد میان فاشیسم و ملت های ما بود که در راه احیای استقلال دولتی و رهبری ملی مبارزه می کردند. از این رو در آن زمان به هیچ وجه نه انقلاب سوسیالیستی، بلکه انقلابی ملی - دمکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر در دستور کار قرار داشت. این انقلاب، ملی بود زیرا هدف آن را سلب کامل قدرت سیاسی و اقتصادی از اشغالگران فاشیست تشکیل می داد، و دمکراتیک بود زیرا می بایست قدرت را به زحمتکشان منتقل می کرد و سمت آن علیه بورژوازی، بزرگ ارتجاعی بود که با همکاری با اشغالگران، به منافع ملی خیانت ورزیده بود.

رهبری حزب به این نتیجه گیر، درست رسید که در آن زمان هنوز فرار و فرار دادن انقلاب "بلاواسطه" سوسیالیستی کار، پیش رس، و به معنای، اشغالگران از طبقات کارگر و افسار غیر پرولتری و شکست طبقه کارگر می بود. کار واقع بینانه، فرار و فرار دادن گذار تدریجی از انقلاب ملی - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی بود. ح. ک. چ در تدوین استراتژی و تاکتیک، بر تئوری لنن و نیز در سهای مبارزه پرولتاریا، چکسلواکی در سالها، ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ اتکا داشت (در آن زمان، کارگران بطور خود بخود، در راه پیروزی، دست به مبارزه زدند اما رهبر، انقلاب ملی - دمکراتیک در دست بورژوازی، مانند و این امر توسط سرمایه برای تکمیل سلطه طبقاتی اش مورد استفاده قرار گرفت).

ارزیابی درست از خصلت انقلاب آتی به حزب امکان داد جبهه ملی گسترده مقاومت در برابر اشغالگران را ایجاد کند. این جبهه،

دیالکتیک انقلاب

ژورنال نویسی و سانسور در جمهوری اسلامی

نوشته: الهامی، الهه راه، معرجه‌های راه، کمیته مرکزی، حزب کمونیست چکواوسی

فراموشی می‌کرد. برای تبدیل این امکان تاریخی به واقعیت، می‌بایست با توجه به شرایط داخلی حمایت اکثریت مردم از خواستهای سوسیالیستی جلب می‌شد. چند عامل در تحقق این مضمون تاثیر مثبت گذاشتند. ح. ک. چ در تحقق اهداف استراتژیک و تاکتیکی خود قبل از مه چیز از امکان پیشبرد انقلاب عم "از بالا" و هم از "پایین" بهره گرفت. در این میان، مبنای کار سیاسی فدائیان و بسیار متنوع کمونیستها در میان توده‌ها برای جلب حمایت آنان از مضمون حزب تشکیل می‌داد. اعضای ح. ک. چ از طریق سازمانهای اجتماعی واحد و نهادهای مانند شوراهای کارخانه‌ها و کمیته‌های دمقانی بر آگاهی زحمتکشان تاثیر می‌گذاشتند. صحت این مضمون کمونیستها و نیروی جاذبه‌ای که بر توده‌ها اعمال می‌کرد در این امر بازتاب می‌یافت که شمار اعضای ح. ک. چ روبه افزایش بود. حزب دارای پایگاهی و افکار توده‌ای شده بود.

در جلب حمایت اکثریت زحمتکشان از ما، افسای حیانت رهبران آن احزاب غیر کمونیستی که تعهدات خود را - که بر اساس برنامه‌های حکومتی مصوب خود، داوطلبانه پذیرفته بودند - انجام نمی‌دادند، نقش بزرگی ایفا کرد. از این طریق این رهبران در برابر اکثریت اعضای ساده این احزاب که با استواری از جبهه ملی جانبداری می‌کردند، مغزوی شدند.

همچنین از مواضع کمونیستها در پارلمان، در حکومت، در وزارتخانه‌ها و در کمیته‌های محلی استفاده موفقی به عمل آمد. این امر به ح. ک. چ به مقابله حزب حاکم امکان داد خواستهایی را که موفق آن فرا می‌رسید، مطرح کند و با کمک شور انقلابی خلق، "از بالا"، با استفاده از قدرت دولتی، برای تحقق آن بپردازد.

کمونیستها نیز آری مهم در استرس نفوذ خود در میان زحمتکشان را انتخابات نهادها، نمایندگان مردم می‌دانستند. در نتیجه انتخابات مجلس ملی موسسان در سال ۱۹۴۶، ح. ک. چ به نیروی مقتدرترین حزب سیاسی کشور تبدیل شد. حزب، ۲۸ درصد آرا را کسب کرد. بعداً زمانی که ارتجاع در جبهه ملی، پارلمان و حکومت دشواریهای هر چه بیشتری را حسب شد، کمیته مرکزی حزب ما این هدف را فراروی خود قرار داد که در انتخابات که در سال ۱۹۴۸ پیش بیفتی شده بود، به اکثریت مطلق آرا دست یابد تا کمونیستها در جبهه ملی نفوذ تعیین کننده‌ای را کسب کنند، بدون آنکه سایر احزاب از شرکت در اعمال قدرت به کنار گذاشته شوند.

وزرا، عضو حزب سوسیالیستهای ملی، حزب مردم و حزب دمکراتیک اسلواکی بدون آنکه منتظر انتخاباتی که قرار بود خلق در آن اراده خود را اعلام کند، بمانند، در ۲۰ فوریه ۱۹۴۸ استعفا کردند تا دولت کلمنت گتوالد را ساقط سازند.

زحمتکشان به هدف این مانور بی بردند. ارتجاع، مدعی فراتر را دنبال می‌کرد که عبارت بود از تشکیل دولتی جدید برای به عقب برگرداندن تسول اجتماعی به سمت سرمایه‌داری. خلق، مصمانه از موضع حزب کمونیست که خواهان پذیرش

کناره‌گیری و زور بود، حمایت کرد. اقدامات مستقیم زحمتکشان نیز به این امر یاری رساند، میتینگ‌ها، تظاهرات، اعتصابات عمومی، یگاسته، تشکیل کمیته‌ها، اقدام جبهه ملی که وظیفه تصفیه همه‌نهادها و سازمانها از مرتجعین را برعهده داشتند و ایجاد میجسهای مردمی که نیروهای مسلح طبقه کارگر را تشکیل می‌داد. ادوارد بنش، سیاستمدار برجسته بورژوازی و رئیس جمهوری، نتوانست این تمایز اراده واحد مردم را نادیده بگیرد. وی در ۲۵ فوریه ۱۹۴۸، کناره‌گیری وزرا را پذیرفت و به پیشنهاد کلمنت گتوالد، اعضای جدید حکومت جبهه ملی احیا شده، شامل جنبش انقلابی سدیکیایی را منصوب کرد. باید از یک نکته دیگر نیز شام برد. راه‌حل بحران، بر طبق پیش بینی‌ها، فاشون اساسی بورژوازی ۱۹۲۰ که هنوز اختیار داشت، یافته شد. گتوالد در برابر پارلمان به تشریح برنامه دولت پرداخت. ۲۲ نماینده - ۱۰۶ کمونیست و ۱۲۴ نماینده از احزاب دیگر - برنامه را تصویب کرده و به دولت رای اعتماد دادند. (در مجموع، پارلمان ۴۰۰ نماینده داشت. در رای گیری، ۲۲۰ نماینده حضور داشتند - "مسائل صلح و سوسیالیسم").

پیروزی، قوریه، روند فرارویی سلامت آمیز انقلاب ملی - دمکراتیک در چکسلواکی به انقلاب سوسیالیستی را تکمیل کرد. بطور نهایی، مسئله کسب قدرت توسط طبقه کارگر را حل کرد و امکان داد کار شوازی، در کشور با تمام فواکسیرش یابد. تاکتیک هوشیارانه حزب باعث شد که اکثریت مطلق مردم بر مبنای جبهه ملی، موضعه دفاع از سوسیالیسم را اتخاذ کردند. فوریه ۱۹۴۸ بدین نیز انجامید که چکسلواکی بخشی از اردوگاه در حل شکل گیری، سوسیالیستی در جهان شد. این امر در دوره‌ای که امپریالیسم به جنگ سرد در آمدن می‌زد، اهمیت فراروانی داشت.

روند انقلابی در چکسلواکی و فوریه ۱۹۴۸، اعتبار تئوری، لنینی فرارویی انقلاب دمکراتیک به سوسیالیستی را، آنهم در کشور، به لحاظ صنعتی پیشرفته با ستن نسبتاً نیرومند بورژوا - دمکراتیک، نشان داد. شرایط پیروزی را سیاست منسجم و خلق حزب که بر دیالکتیک عام و خاص تحت شرایط چکسلواکی مسلط بود، فراهم کرد.

روند تحول اجتماعی در دوره پیش از فوریه و رویدادها، فوریه، نمایانگر تنوع اشکال شیوه‌ها، فرارویی انقلاب دمکراتیک به سوسیالیستی بود. ثابت شد که پارلمان می‌تواند به ابزار، - اگر چه نه ابزار منحصربه‌فرد - در گذار سلامت آمیز تبدیل شود. البته از نقطه نظر تجارب چکسلواکی مفهوم "گذار سلامت آمیز به سوسیالیسم" فراتر از مفهوم "راه پارلمانی به سوسیالیسم" است.

ما مکرراً به فوریه ۱۹۴۸ نظر می‌افکنیم و در آینده نیز چنین خواهیم کرد، زیرا فوریه ۱۹۴۸ برای ما نه تنها رویدادی تاریخی که بطور نهایی راه را برای ساختمان سوسیالیسم در چکسلواکی گشود، بلکه در عین حال گنجینه‌ای از تجارب است که امروز نیز به کار ما می‌آید. این رویداد حاوی درسهایی است که امروز نیز راهنمای عملند، زیرا حاوی وظیفه‌ای واقعا تاریخی را در در پیش روداریم، دستیابی به موقعیت کیفی تا تئوری از سوسیالیسم و اقبات برتری ما در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فکری، در رشد حقوق و آزادیهای شهروندان، در مسابقه صلح آمیز با سرمایه‌داری.

مانگونه که ذکر کردیم، سیاست ح. ک. چ برای فرارویی انقلاب ملی - دمکراتیک به سوسیالیستی بر کاربست خلق و تحقق تئوری انقلابی با در نظر گرفتن دیالکتیک عام و خاص استوار بود. اکنون، در مرحله تحقق مضمون استراتژیک هدفمین کنگره ح. ک. چ که شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه را پیش بینی می‌کند، تئوری برای عمل سیاسی حائز اهمیت فوق العاده‌ای است. در برابر ما وظیفه انقلابی قرار دارند. حل آنها باید بر مبنای طرح تئوریک هدفمندی برای نو سازی استوار باشد، طرحی که از اندیشه‌های نوین الهام بگیرد. این اندیشه‌ها، نوین باید با وظایف امروز و آینده انطباق داشته باشند و جای تزاها و اشکال مالوف اما کهنه شده را بگیرند.

ما در تدوین تئوری نو سازی، اوتجارب احزاب سراز، به ویژه حزب کمونیست اتحاد شوروی، راهگشای نو سازی به لحاظ تئوریک و عملی، بهره می‌گیریم. در این میان بر ما روشن است که در روندهای اجتماعی عمیقی که در برخی کشورهای سوسیالیستی در جریان است (خواه بر آن بر سر ویکا - نو سازی - نام نهید یا نه)، تنها عناصر عام باؤتات نمی‌یابد، بلکه شرایط مشخص و ویژگیهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملی، ایفاء نقش می‌کنند. بنابراین باید در استفاده از تجارب دوستان این را در نظر گرفت که چه چیز آن ویژه و غیر قابل کاربست در شرایط ماست.

روشن است که در روند تحولات، عمل ما همواره باید با موقعیت مشخص، ویژگی رشد و وضعیت کنونی جامعه انطباق داشته باشد. بطور نمونه، من جبهه ملی و احزاب غیر کمونیست در چکسلواکی را مدنظر دارم - واقعیتی که مثلا در بررسی نظام سیاسی باید بدان توجه کرد - و با سطح تحقق یافته کشاورزی سوسیالیستی و نقش تعاون که در جمهوری، ماسنتی دیرینه دارد. اما توجه به این شرایط و سایر ویژگی‌ها نباید بدان بیانجامد که به عنصر عام، که جوهر نو سازی را تشکیل می‌دهد، یعنی دستیابی به موقعیت کیفی تا تئوری در سوسیالیسم، کم بهاداده شده و یا حتی این عنصر عام نادیده گرفته شود.

مشخصه سراسر دوره پیش از فوریه، مبارزه میان نیروها، ترقیخواه و ارتجاعی بر سر خصلت دمکراسی در چکسلواکی بود. مبارزه بر سر این بود که در جمهوری رهبری یافته، نظامی و اقتصادمکراتیک ایجاد شده، قدرت در عمل متعلق به خلق خواهد بود یا یک دمکراسی صوری برپا خواهد شد. حزب کمونیست می‌کوشید شرایطی فراهم آورد که در دهها هزار شهر و بند از طریق کمیته‌های ملی در اداره دولت شرکت کنند و بر مبنای جبهه ملی، به هدایت امور اجتماعی بپردازند. استفاده از نهادها، موجود دمکراتیک و ایجاد و تدبیم نهادها، جدید (کمیته‌های ملی، شوراها، کارخانه‌ها، سازمانهای اجتماعی واحد) به رشد بیسابقه فعالیت سیاسی توده‌های مردم انجامید.

تجارب تاریخی دوره پیش و پس از فوریه نشان داد، دمکراسی، شرط پیشرفت سوسیالیسم است. بدون احقاق می‌توان گفت دمکراسی پیش شرط پللا واسطه این پیشرفت است. درستی این حکم امروز که تحولات عمیق در جامعه ما به ادامه تکامل دمکراسی سوسیالیستی، به تحقق همه جانبه اصول خودگردانی و کار نظام دولتی و نیز ارکانهای جبهه ملی و سازمانهای وابسته بدان، در اداره اقتصاد و در عرصه فرهنگی بستگی دارد، به روشنی نمایان است. ◀

بود (مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۲۲). هدف این توصیه لغین این است که رابطه تشکلات فکری با توده‌ها حقا و از نشریات و روایات آنها المانع حاصل شود حزب باید به صدای آنها بیشتر توجه کند و آن را در نظر گیرد.

امروز که می‌خواهیم زندگی اجتماعی را دمکراتیزه‌تر کنیم، نقش جبهه ملی به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. باید در وهله اول ارگانها و سازمانهای عضو جبهه ملی سهم بزرگم بیشتری در شکل دادن به مشی سیاسی ایفا کنند. بدین منظور آنها باید به هر چه مربوط به پیشنهادهایی برای حل مسائل دارای اهمیت کل اجتماعی و یا محلی ارائه، و در بررسی طرحها و مصوبات دولت، وزارتخانه‌ها و کمیته‌های ملی درباره مسائل مهم جامعه سوسیالیستی و اشتقاقات شهروندان، کمک کنند. در این میان، سازمانهای اجتماعی باید نقشی بسیار مهم ایفا کنند. وظیفه آنها این است که از منافع ویژه مردم دفاع کنند. آنها می‌توانند کمک موثرتری به قرار دادن مسائل مهم دردستور کار و بازتاب دادن عقاید و نظرات متنوع معمول دارند. از این طریق نیل به نتایج درست و مطلوب برای ارگانهای ذیربط سهل‌تر خواهد شد ما باید راهمایی برای، تعمیق دمکراسی سوسیالیستی جستجو کنیم زیرا در جامعه ما منافع متفاوت و نیز تضادهایی وجود دارد که خود را در تفرق نظرات نشان می‌دهند. پلورالیسم سوسیالیستی، که از دمکراتیزه کردن جدایی‌ناپذیر است، در باؤتاب یافتن و بررسی این نظرات تهلور می‌یابد. این امر به هیچ وجه بدین معنی نیست که ما بکده اریم یک پلورالیسم سیاسی به ما تمیل شود. مسئله قدرت در کشور ما در همان چهل سال پیش حل شد. فوریه ۱۹۴۸ نشان داد. ح. ک. ج.

توانست اعتماد توده‌های مردم را جلب کند و آنها را در باره درستی موضعه خود متقاعد سازد. در این رابطه، سیاست صریح ما و علینیت آن نقش مهمی را ایفا کرد. حزب شیوه‌های مختلفی برای تشریح پیشنهادهاى خود - بعنوان مثال در باره اصلاحات ارضی، اجرای سیاست ملی کردن، مالیات و دستمزدها - برای ژحمتکشان یافت و افکار عمومی را برای مبارزه جهت تحقق آنها بسیج کرد. در شرایط امروضا می‌کوشیم اصل علینیت را در فعالیت همه سازمانها و ارگانهای دولتی، اقتصادی و اجتماعی - چه در مرکز و چه در پایه - بطور حتی المقدور همه‌جانبه تحقق بخشیم. تاکنون این روند بطور ناموزون پیش رفته است. کم‌پیش نمی‌آید که مردم از کار عالی‌ترین ارگانهای حزبی و دولتی بیشتر از کار ارگانها و سازمانهای محلی قدرت المانع دارند. گاه از اصل علینیت تفسیر محدودی به عمل می‌آید و تنها به کار رسانه‌های گروهی منحصر می‌گردد. البته رسانه‌ها اخیرا کارهای مفید زیادی انجام داده‌اند، اما به همین اندازه نیز اشکال کار سیاسی توده‌ای فقیر تماش مستقیم با ژحمتکشان، گزارشدهی کادرهای مسئول درباره کار ارگانهای دولتی و غیره در گردهمایی‌های شهروندان و غیره دیده می‌دارد. این سه به هیچ وجه کفایت نکرده است.

چکسلواکی سوسیالیستی امروز کشوری به لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفته و دارای سطح زندگی مادی و فرهنگی نسبتا بالایی است. اما در اقتصاد، مسائل جدیدی پیش می‌آید که مستلزم تصمیماتی است. امروزه امکانات رشد کسرتشی (اکستنسوی) به پایان رسیده است، حزب ما وظیفه خود می‌داند رشد عمقی (اینتنسوی) اقتصاد را تامین کند. از این روشها کفونه که در کنگره ۱۷ ح. ک. ج. تصویب شد، بقیه در صفحه ۱۴

توسعه افکار عمومی) - در چارچوب کنی دولتی و در سطح محلی هر چه بیشتر گسترش می‌یابند. ما دمکراتیزه کردن را روندی همه‌جانبه می‌دانیم. این روند نمی‌تواند به سیاست محدود بماند، بلکه باید همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، به ویژه عرصه اقتصاد، را کاملاً دربرگیرد. در وهله اول باید مشارکت ژحمتکشان در اداره کارخانه‌ها، دولتی و تعاونی‌ها برپایه اصول خودگردانی سوسیالیستی گسترش و تحقیق یابد. بعنوان نمونه در کارخانه‌های دولتی طبق طرح قانونی که در همین سال

جاری باید تصویب شود، در آینده ارگان‌ها، خودگردانی مانند اجلاس کلکتیو کار و شورا، منتخبات آن وجود خواهد داشت. این ارگان‌ها منظر خواهند بود مسائل عمده کارخانه‌تجاری بررسی کنند، بلکه درباره آنها تصمیم بگیرند. برای آنکه خودگردانی در کارخانه‌ها مادیت یابد، تغییر نظام مدیریت اقتصاد اهمیت زیادی دارد. باید هر کوفه تمرکز غیر ضروری را که محدودکننده استقلال است برطرف کرد و حسابرسی اقتصادی، خودکفایی مالی و

توزیع مستقل بوده را معمول داشت. از این طریق، کلکتیوها، کار بطور مستقیم در نتایج کار اقتصادی منفعت مادی می‌یابند. روشن است که خودگردانی در تولید در شرایط مکانیزیم جدید اقتصادی، ضرورتی عینی است. این نظام دمکراتیک به کارگز امکان می‌دهد و افعای کارخانه و کارگاه خود باشد.

جبهه ملی که پس از فوریه نیز به موجودیت خود به عنوان شکل سیاسی زندگی اجتماعی ما در راه پیشروی به سوی سوسیالیسم ادامه داد، فضای کافی برای شرکت همه شهروندان، اعم از حزبی‌ها و غیرحزبی‌ها، در اداره امور دولت سوسیالیستی و جامعه فراهم می‌کند. سیاست جبهه ملی برای ح. ک. ج. یک مشی اصولی است زیرا بر مبنای سخت‌ها و شرایط ما این تضمین را به وجود می‌آورد که سوسیالیسم واقعا کار توده‌های مردم باشد. ما موضعه آنهایی را که به نقش این اتحاد کم بها می‌دهند و بعنوان کمونیست، به اعضای سایر احزاب و غیرحزبی‌ها برخوردی تفرعن آمیز دارند، نادرست می‌دانیم.

باید متذکر شد که بهترین نمایندگان احزاب غیر کمونیست که به آرمانهای جبهه ملی وفادار ماندند، در پیروزی ژحمتکشان سهیم بودند و بعدها همراه با ح. ک. ج. در ساختمان سوسیالیسم مسئولیت مشترک داشتند. آنها باید باؤهم فعال‌تر در جبهه ملی کار کنند و بیشتر به ابتکارهای سازنده دست یازند. همین امر در مورد غیرحزبی‌ها صادق است. حزب ما همواره کوشیده است همکاری آنها را جلب کند. می‌دانیم که لغین برای جلب غیرحزبی‌ها و کنترل کار اعضای حزب توسط غیرحزبی‌ها ضرورت مطابق قائل

در تعیین دمکراسی سوسیالیستی در چکسلواکی کمیته‌های ملی که پایه‌های دولت ما را تشکیل می‌دهند، کماکان اهمیت محوری دارند. تقویت نقش آنان به مثابه نهادهای دمکراتیک خودگردانی، به میزان زیادی بسته بدان است که حقوق و وظایف آنها تا چه حد و میزان واقعی شرکت نمایندگان و همه شهروندان در حل مسائل مهم زندگی در روستا، در شهر، در شهرستان و یا در منطقه، در تحقق تدابیر اتخاذ شده چقدر باشد. کم بهادادن به هر یک از این جوانب،



اصل خودگردانی کمیته‌ها را تضعیف می‌کند. اگر اختیارات کمیته‌ها محدود باشد، اشکال دمکراتیک (اجلاسها، کمیسیونها، کارنمایندگان) بی‌ثمر است. همچنین اگر در کمیته‌های ملی بخش زیادی، از کار را دستگاه حرفه‌ای به جای ارگانهای کلکتیو که از نمایندگان منتخب مردم و سایر شهروندان تشکیل می‌شود، انجام دهند، این امر تاثیر منفی می‌گذارد. تجارب نشان می‌دهد که کمیته‌های ملی تنها زمانی موفق خواهند بود که محتوای کار آنها اشکال دمکراتیک آن در وحدت بایکدیگر باشد.

کماکان به این اهمیت می‌دهیم که در آینده نیز مناسبات درستی میان ارگانهای نمایندگان محلی و ارگانهای اجرایی تابه آنها برقرار کنیم. تا بحال ارگانهای اجرایی گاه نفوذی بیش از حد یافته‌اند. کارکنان حرفه‌ای کمیته‌های ملی موافقت در اجرای وظایف خود از اداره ارگانهای نمایندگان جمعی تبعیت کنند و مظاهر بوروکراتیسم را ریشه کن سازند. همه کمانت کتوالد کماکان به قوت خود باقی است، " وجود مردم برای دستگاه اداری نیست، وجود دستگاه اداری برای مردم است. "

وقتی به دمکراسی مبتنی بر انتخاب نمایندگان، وزن لازم را می‌دهیم، این امر به هیچ وجه بدین معنی نیست که به نهادهای دمکراسی مستقیم و بلافاصل کم بها بدهیم. برعکس، همانگونه که رویدادهای پیش و پس از فوریه نشان می‌دهد، این نهادها به دمکراتیزه کردن کل زندگی اجتماعی کمک می‌کنند. بدون تردید نهادهای دمکراسی مستقیم - چه در مورد تصمیم‌گیری، مستقیم و چه در مورد انجام مشاوره‌ها و نظرخواهی‌ها (مثلا بررسی طرح قوانین

ناآرامی در قره باغ

هفته گذشته منطقه خودمختار قره باغ در جمهوری ارمنستان شوروی شاهد ناآرامی‌هایی بود که ریشه در بر خوردهای بین ملیتها داشت.

در مرکز این منطقه درگیری‌هایی بین آذربایجانی‌ها و ارمنی‌ها پیش آمد که در رساله‌های شهری قرب به نحو غلو آمیزی برجسته شد.

مخلقه قره باغ پس از انقلاب اکتبر زیر پوشش جمهوری آذربایجان قرار گرفت و در سال ۱۹۲۳ یک منطقه خودمختار اعلام شد. مطابق با قوانین شوروی، یک منطقه خودمختار، مطلقاً ای است که به دلیل بافت ملی اهالی ساکن در آن از خودمختاری برخوردار است و در عین حال به یک جمهوری شوروی تعلق دارد. ارکان دولتی در چنین منطقه‌ای شورای نمایندگان و حاکمان مطلقه است. کمیته اجرایی شورای نمایندگان پیش برنده امور اجرایی در منطقه است. در شوروی هشت منطقه خودمختار وجود دارد.

مخلقه قره باغ (هاگورنو کاراباخ) قره باغ کوهستانی) دارای ۱۶۰۰۰ نفر جمعیت از ۴۹ ملیت است. دو ملیت اصلی، آذربایجانی‌ها و ارمنی‌ها هستند.

در روز ۱۳ فوریه در مرکز منطقه قره باغ تظاهراتی از سوی دانشجویان و دانش آموزان برگزار شد. در روزهای بعد نیز حرکات مشابهی صورت گرفت. در روز ۲۰ فوریه گروهی از نمایندگان شورای منطقه تصمیم گرفتند منطقه قره باغ را جزو جمهوری شوروی ارمنستان اعلام کنند. اما طبق قانون اساسی اتحاد شوروی ارکان نمایندگی خلق در یک جمهوری می‌تواند این تصمیم را لغو کند.

در هنگام بروز ناآرامی در قره باغ، چندین تظاهرات نیز در ایران، مرکز جمهوری ارمنستان برگزار شد. آناتولی لویکیانوف و ایوان دوبینسکی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، با آن دسته از اهالی که خواهان پیوستن قره باغ به جمهوری ارمنستان بودند، مذاکره کرده و خواسته‌های آنها را به کمیته مرکزی گزارش کردند.

با بروز ناآرامی، رهبری حزب کمونیست آذربایجان از خود اعتقاد کرد که چرا با مسائل منطقه خودمختار قره باغ برخورد مفعولانه‌ای داشته است و به مشکلات توجه کافی نکرده است. در روز چهارشنبه مسئول حزب در منطقه، بوریس کورکوف، از کار برکنار شد.

در اواخر هفته، بویژه پس از پیام رادیو-تلویزیونی میخائیل گارباچف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ناآرامی‌ها فروکش کرد. میخائیل گارباچف در پیام خود از خلفای آذربایجان و ارمنستان خواست. در حفظ آرامش منطقه بکوشند و بر تجربه تاریخ دوستی و اتحاد بین خود، متکی باشند. گارباچف در پیام خود دیدگاه لغیفیستی در زمینه حل مسائل ملی را تشریح کرد و گفت بلنوم بعد، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، بررسی مسائل ملی را در دستور کار خود قرار خواهد داد و در برطرف کردن مسائل و مشکلات موجود، خواهد کوشید.

اعتصابات گسترده کارگری در آلمان فدرال و برلین غربی



و رفتگران در آلمان فدرال و برلین غربی بود. اعتصاب رانندگان اتوبوسها، ترامواها و متروها ۲۰۰ شهر آلمان فدرال و نیز برلین غربی را دربر گرفت. خواسته اصلی ۲۰۰۰۰ شرکت کننده در اعتصاب بخش حمل و نقل عمومی کاهش ساعات کار به میزان ۲۵ ساعت در هفته بود.

اکنون همه سفیدکامای آلمان فدرال مبارزه برای ۲۵ ساعت کار در هفته و افزایش دستمزدها را در دستور کار خود قرار داده‌اند. سال جاری، فراز ناوهای در مبارزات کارگری آلمان فدرال خواهد بود.

عصر روز سه شنبه ۲۲ فوریه دوشهر راین هاوزن و دورتموند به فاصله ۸۰ کیلومتر به وسیله یک رفنجر اضافی از کارگران فولاد کار به همدیگر متصل شد. در این راهپیمایی عظیم که مشعلهای فروزان بدان شکوه و صلابت خاصی داده بود، ۸۰ هزار نفر شرکت داشتند. این راهپیمایی در ادامه مبارزات چند ماهه فولادکاران منطقه رور آلمان فدرال، برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه‌های فولاد و اخراج جمعی کارگران، برگزار کردید. هفته گذشته همچنین شاهد اعتصاب همدارمده یکپارچه کارکنان وسایل حمل و نقل عمومی، پرستاران

دیالکتیک استالین

بقیه از صفحه ۱۳

جهان می‌شد، خاتمه خواهد داد. طبیعی است که از جانب حزب کار سیاسی - ساومانی و ایدئولوژیک - تربیتی شدید، لازم است تا برخی تصورات ساده‌فکرانه از میان برود (بعنوان نمونه، برخی‌ها تضمین‌های اجتماعی برای شروندان را بطوریکه جنبه شریعی حق مطلق و مستقل از عدالت اجتماعی می‌دانند). ما لازم می‌دانیم اصول مکافیسم جدید اقتصادی را بطور کامل به کرسی بنشانیم.

راهی که ما طی کرده‌ایم و شرایط حاضر نشان می‌دهد که درسهای فوریه برای ما کمونیست‌های چکسلواکی دارای اهمیت ماندگاری است. ما بدین میراث تکیه می‌کنیم و آن را در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی گسترش می‌بخشیم. ما از یاد نخواهیم برد که طبقه کارگر و متحدانش چهل سال پیش چگونه توانستند پیروز شوند. حزب کمونیست، تئوری مارکسیسم - لنینیسم و دیالکتیک انقلاب را جلقافه گسترش داده به کار بست، مشارکت واقعی و حتمتشان در اداره زندگی اجتماعی را تضمین آورد و نیروها را برور، وظایف سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک عمده متمرکز کرد.

این تجارب برای ما ارزشمندند و امروز که ما برای حل مسائل نوسازی در حقیقت ادامه انقلاب سوسیالیستی - مبارزه می‌کنیم، اهمیت بیشتری می‌یابند.

لازم است نظام مدیریت اقتصادی، مبتنی بر دستوردهی گذشته به کنار گذاشته شود و مکافیسم اقتصادی، متحول گردد. اصول فوین آن با مصوبه دسامبر ۱۹۸۷ کمیته مرکزی ح. ک. چ مورد تایید قرار گرفت. این اصول بعنوان نمونه بر اندیشه‌هایی نظیر کاربست شیوه‌های عمدتاً اقتصادی مدیریت، استفاده از مسابقات کالا - پول و استفاده از برنامه، تکامل بخشیدن به مدیریت مرکزی و تقویت استقلال کارخانه‌ها و نیز تحقیق دموکراسی در واحدهای اقتصادی، استوارند.

بدیهی است در برقراری مکافیسم جدید اقتصادی اصلکاکها و دشواریها پدید خواهد آمد، زیرا این مکافیسم دربرگیرنده تحولاتی است که مستلزم دست کشیدن از برخی عادت‌ها و افکار شکل گرفته و ریشه دوفاده در طول دهه‌هاست. یک ضومه، مسئله عدالت اجتماعی در مسابقات توزیه است. همه می‌دانند که در کشور ما برابری مضعوی رواج داشته و اغلب به کمیت و کیفیت کار توجهی نشده است. در این مورد، کاربست حسابرسی کامل اقتصادی، الزاماً به تغییرات اساسی و ایجاد فاصله میان حقوق و دستمزدهای انجامد. اجرای اصل خودکفایی مالی، تفاوتها در شتاب کارکنان کارخانه‌ها را نشان داده و به روال معمول گذشته که در آن کارتوام با ضرر تعدادی، با کار خوب دیگران

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا

در روز جمعه ۱۹ فوریه دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا در مادرید آغاز به کار کرد. کنگره با سخنرانی رفیق دولوروس ایباروری، کمونیست قهرمان اسپانیایی و یکی از سبیلهای جهانی زنان کمونیست، گشایش یافت. دولوروس ایباروری، در این سخنرانی کمونیستهای اسپانیایی را که او وجود تفرقه در صفوف خود رنج می برد، به وحدت و یکپارچگی فراخواند.

بخش مهمی از گزارش کمیته مرکزی به کنگره، که به توسط دبیر کل حزب ژراردو ایکسلیاس قرائت شد، به موضوع وحدت مجدد کمونیستهای اسپانیایی اختصاص داشت. در این گزارش آمده است روابط حزب کمونیست و حزب کمونیست خلقهای اسپانیا، که دبیر کل آن اینکاسیو کالگو به عنوان مهمان در کنگره شرکت داشت، هر چه بیشتر فشرده می گردد و در راستای یکگانه گردن صفوف کمونیستهای اسپانیا، از جانب دو حزب یک کمیسیون وحدت تشکیل شده که

تاکنون نتایج کار آن رضایت بخش بوده است. تفرقه در صفوف کمونیستهای اسپانیا نتیجه تاثیرات مخرب نفوذ اروتوموئیسم است. اکنون سائتیانو کاریلو، دبیر کل پیشین حزب کمونیست اسپانیا، که او مبالغین اصلی اروتوموئیسم بود، در رهبری حزب کارگر نشسته و یک خط سوسیال دمکراتیک را پیش می برد.

کنگره حزب کمونیست اسپانیا در روز دوشنبه ۲۲ فوریه به کار خود پایان داد. پس از یک سلسله مباحثه طولانی رفیق خولیا آنتیکتا به عنوان دبیر کل حزب انتخاب شد. کنگره مجدداً رفیق دولوروس ایباروری را به عنوان صدر حزب برگزید.

در دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا نمایندگان ۷۰ حزب از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند. به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا یک هیات از سازمان مانیو در کنگره دوازدهم این حزب شرکت داشت.

موشکهای اس ۱۲ - برچیده شدند

اتحاد شوروی، موشکهای اس ۱۲ - مستقر در خاک آلمان دمکراتیک و چکواکی را برچیده و این موشکها را به شوروی انتقال داد. برچیده شدن این نوع موشک برد متوسط در حالی صورت گرفته است که هنوز کنگره آمریکا قرارداد واشنگتن را، که به امضاء میخائیل گابریلوف و ریگان رسیده است و بر طبق آن موشکها، اتمی برد متوسط آمریکا و شوروی

از اروپا برچیده خواهند شد، به تصویب فرساده است. پیشقدم شدن شوروی برای برچیدن موشکهای اس ۱۲ - مورد استقبال گرم فیهروهای صلح دوست قرار گرفت و به ویژه در آلمان فدرال انگکاس گسترده ای یافت. عکس زیر صفحه ای از انتقال موشکهای اس ۱۲ - مستقر در آلمان دمکراتیک را نشان می دهد.



سرکوبگری های تازه در آفریقای جنوبی

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بر آن است قانون کانتاوه را، را به مورد اجرا بگذارد. در قانون کانتاوه، حق اعتصاب عملاً لغو شده است. اعتصاب صرفاً پس از مذاکرات طولانی با کارفرمایان - دست کم یک ماه - موجه خواهد بود. اعتصاب کارگران یک کارخانه در حمایت از کارگران کارخانه های دیگر ممنوع است و اگر اعتصابی جنبه "قانونی" پیدا نکند، سندیکیای مربوطه باید خساراتی را که متوجه کارفرما می شود، جبران کند. قانون کانتاوه تصمیم گیری، برای اخراج کارگران را برعهده سرمایه داران نهاده و اعتصاب در حمایت از کارگران اخراجی را ممنوع کرده است. رژیم نژادپرست می خواهد با اصلاح قانون کار

فیو به جنگ جنبش کارگری در آفریقای جنوبی برود. اکنون یک عرصه مهم رژیم کارگران، مبارزه با این قانون کار و خنثی کردن تلاشهای نژادپرستان برای سرکوب جنبش کارگری در آفریقای جنوبی، به عنوان رکن اصلی مبارزه علیه آپارتاید است.

در روز چهارشنبه هفته گذشته رژیم نژادپرست فعالیتهای جنبه متحده دمکراتیک (یو.دی.اف) که بزرگترین سازمان علفی ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی است، و ۱۶ سازمان ایوویسیون دینتر را ممنوعه اعلام کرد. در فرمان صادره از سوی رژیم آپارتاید، کوواتو، اتحادیه کارگران سیامیوست فیو از پرداختن به امور سیاسی مغموم شده است.

کنورکیوس واسیلیو

رئیس جمهور تازه قبرس

در انتخابات ریاست جمهوری در قبرس، کنورکیوس واسیلیو، یک کاندیدای مفرد که وابسته به هیچ حزبی نیست، با کسب ۵۱/۶۲ درصد آرا بر رقیب خود از حزب محافظه کار "مجموعه دمکراتیک" پیروز شد. کنورکیوس واسیلیو، مورد حمایت آکل (حزب پیشرو زحمتکشان قبرس) که حزب کمونیستهای این کشور است، قرار گرفته بود. آکل قوی ترین حزب در قبرس است.

بودجه امسال دولت آمریکا

ریگان آخرین طرح بودجه دوره ریاست جمهوری، خود را در اختیار کنگره گذاشت. طرح بودجه سال مالی تازه آمریکا - که از اول اکتبر ۱۹۸۸ آغاز می شود - با ۱/۱ میلیارد کسری، رکورد تازه ای را در این زمینه به جا نهاده است.

در طرح بودجه تازه ۲۹۹/۵ میلیارد دلار به یکتاگون اختصاص داده شده است که ۸/۵ میلیارد دلار از سال پیش، بیشتر است. مطابق با این طرح پنج میلیارد دلار صرف تحقیقات مربوط به "چنگ ستارگان" و ۸/۷ میلیارد دلار صرف تولید کلاهکهای هسته ای خواهد شد.

با در نظر گرفتن طرح بودجه تازه، قروض دولتی دوره هشت ساله ریاست جمهوری سر به ۱۴۶۰ میلیارد دلار می زند که اکنون در مجموع بخود برابر است با ۲۱۰ میلیارد دلار و ۲۹۰ رئیس جمهور پیش از ریگان در مجموع ۷۱۵ میلیارد دلار قرض بالا آورده بودند.

مذاکرات بالکان

برای نخستین بار در تاریخ پس از جنگ جهانی دوم، در هفته گذشته وزرای خارجه کشورهای منطقه بالکان در بلگراد گرد آمدند و مسائل این منطقه را مورد بررسی قرار دادند. یک نکته مهم تازه، شرکت وزیر خارجه آلبانی در این گردهمایی است. علاوه بر وزیر خارجه آلبانی، وزرای خارجه بلغارستان، یونان، رومانی، ترکیه و یوگسلاوی در این اجلاس شرکت داشتند. در این اجلاس وزرای خارجه آلبانی، بلغارستان، یونان و رومانی پیشنهاد کردند که منطقه بالکان، منطقه عاری از سلاحهای اتمی اعلام شود. این پیشنهاد در اساس مورد موافقت یوگسلاوی قرار گرفت اما هیات نمایندگی ترکیه شدیداً با آن مخالفت کرد.

آدمکشی های راست گرایان در کلمبیا

در هفته های گذشته دست کم ۲۰ نفر به دست باندهای فاشیست در کلمبیا به قتل رسیده اند. این باندها، آدمکش تحت حمایت مستقیم ارتش قرار دارند. کشته شدگان عمدتاً از اعضای اتحادیه میهنی هستند که یک سازمان انقلابی چپ است. در ۲۰ ماه گذشته ۵۷۰ نفر از اعضای برجسته این سازمان به دست راستگرایان کشته شده اند.

گسترش اعتصاب غذا در زندانهای سیاسی ترکیه

بازداشتگاه "الکی شمیر" دست به اعتصاب غذا زدند. شکنجه و آزار جسمی زندانیان در ترکیه همچنان ادامه دارد. اخیراً وزیر کشور ترکیه اعلام کرد که هر قوی کتک زدنی را نمی‌توان شکنجه فامید! مطابق با آئین‌نامه صادره از سوی وزارت کشور شکنجه به قوی آزار جسمی می‌گویند که در آن فرد شکنجه شده ۱۵ روز بر روی تخت بیمارستان بیفتند. این آئین‌نامه اخیراً منجر به تیرش دو پلیس شد. دو پلیس یک زندانی را آنسان شکنجه کرده بودند که هفت روز در بیمارستان بستری شد. موضوع افشا شد و رژیم ترکیه که می‌خواهد ژست دموکراتیک بگیرد حاضر شد به شکایت زندانی توجه کرده و دو پلیس مذکور را به دادگاه بفرستد. اما دادگاه دو پلیس را مطابق با آئین‌نامه وزارت کشور، تیرش و کارخفایتکارانه آنها را وظیفه معمولی پلیس اعلام کرده

در دومین هفته‌ماه فوریه ۲۰۰۰ زندانی سیاسی در زندان نظامی دیاربکر واقع در جنوب شرقی ترکیه دست به اعتصاب غذای فامحدود زدند. زندانیان خواسته‌های خود را از اینقرار اعلام کردند:

- شکنجه جسمی زندانیان باید خاتمه یابد.
- مکالمه به زبان کردی خاصه با ملاقات کنندگان باید آزاد باشد.
- نامه‌های زندانیان نباید سانسور شود و زندانیان باید از جمله آزاد باشند که به مطبوعات نامه بنویسند.
- زندانیان حق دارند هر کتابی را که خواستند به وسیله ملاقات کنندگان وارد زندان کنند.

اعتصاب غذای زندانیان زندان دیاربکر دیری نمی‌ماند که در همه جا بازتاب پیدا کرد و به زندانیهای دیگر سرایت یافت. در هفته گذشته زندانیان زندان "سیاک ملجی‌لر" در استانبول و نیز زندانیان

تظاهرات ایرانیان در مقابل کارخانه اسلحه سازی بوفوش



با افشای فروش بیفغانی اسلحه (توب و موشک) از طرف کارخانه سوئدی "بوفوش" به جمهوری اسلامی، موجی از اعتراض محافل مترقی سوئد برانگیخته شد. به دنبال این ماجرا یک هیات شش نفره فرستادگان رژیم خمینی به طور غیررسمی قسمت مواد شیمیایی کارخانه مزبور را مورد بازدید قرار داد و در مورد کمک این کارخانه برای ترمیم کارخانه تولید مواد شیمیایی اصفهان که بر اثر بمباران هواپیماها، عراقی آسیب دیده است مذاکره کردند و جمعی از ایرانیان مقیم شهر کارل سکوکا واقع در ۵ کیلومتری کارخانه "بوفوش" به محض اطلاع از دیدار هیات رژیم خمینی روز هفدهم فوریه در مقابل کارخانه دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان افشا کردند که رژیم خمینی از کارخانه اصفهان در خداتولید مواد شیمیایی در خدمت جنگ استفاده می‌کند و کمک به ترمیم آن کمک به جنگ ویرانگر و غیر انسانی ایران و عراق است. ایرانیان تظاهر کننده از مسئول اطلاعات کارخانه خواستند که به سوالات آنها پاسخ دهد. وی، مجبور شد در جمع تظاهر کنندگان حضور یافته و پاسخگوی سوالات آنها باشد. وی اعلام کرد که به میات ایرانی جواب منفی داده شده است.

این تظاهرات در روزنامه‌های بریتیر از استان "اوره‌برو" بازتاب یافت.

صهیونیسم، گروه ضربت امپریالیسم

کنستانتین والتینوف

در سال ۱۸۹۷ کنگره موسس سازمان جهانی صهیونیستی در شهر "بال" (در سوئیس) تشکیل گردید. کنگره برنامه سازمان را به تصویب رساند. اهداف عمده و عرصه عمل سازمان مذکور بیافکر ایدئولوژی، سیاست و یراتیک بورژوازی بزرگ یهود است که در برنامه آن تبلور یافته است. این برنامه تا حال چندین بار تغییر کرده اما اصول بنیادی صهیونیسم دست نخورده باقی مانده است.

صهیونیست‌ها بیابرنقاربه ارتجاعی "ملت جهانی یهود" و "برتری نژادی" تلاش می‌کنند با مداخله جویی در امور خفها، آنان را تابع سیاست استعماری خود نمایند. سازمان جهانی صهیونیستی مدعی رهبری، تمام یهودیان جهان صرف نظر از بقیه در صفحه ۱۰

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
<input type="checkbox"/>	۱۱ مارک	۲۱	۱۳ مارک
نشریه «کار»	یک ساله	۲۱	۲۴

بهای اشتراك	سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
<input type="checkbox"/>	۲۷ مارک	۵۲	۳۰ مارک
نشریه «اکثريت»	شش ماهه	۵۲	۵۸
<input type="checkbox"/>	یک ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.197
MONDAY, 29 FEB, 88

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید